

۱۶۰/۲

۱۶۱/۱

متن نظم بدیع

این جزوه امانی است .

مخصوص جامعه بهائی است .

۳۵ - ۰۱

۱۵۴/۳

۱۶۰/۱

" ... در جمیع احوال عباد را وصیت نمودیم به امانت و دیانت ... "

تذکرات :

- ۱ - روی جزوات چیزی ننویسید.
 - ۲ - از علامت‌گذاری - حتی با مداد - اجتناب فرمائید.
 - ۳ - رعایت پاکیزگی در حفظ جزوات بشود.
 - ۴ - راس موعد مقرر و پس از پایان نیمسال ، جزوات متون درسی را به دوستان معارف محل مرجوع فرمائید.
- * رعایت این نکات بدین سبب ضروری است که دوستان دیگر شما نیز قرار است از این متون بعداً استفاده کنند.

ارتباط امر الهی و نظم بدیع و نظم اداری

در دستخط منیع مورخ ۱۴ شهر الشرف ۱۳۲ بدیع مطابق با ۱۳ ژانویه ۱۹۷۶ خطاب به جناب هوشنگ محمودی در مورد ارتباطی که میان امر الهی، نظم بدیع و نظم اداری وجود دارد چنین آمده :

... سؤال اول آن جناب مربوط به نظم بدیع و نظم اداری امر اعظم بود که از رابطه آن دو با یکدیگر پرسیده و تفاوت هریک را خواسته بودید. حضرت ولی عزیزا مرالله در تواقع انگلیسی اشاره به دو نظم می فرمایند، یکی نظم اداری *Administrative Order* و یکی نظم بدیع *"World Order"* و یا نظم بدیع جهان آرای الهی *"New World Order"* و در این بیانات مطرح است که نظم اداری مقدمه نظم بدیع است... و اما این نظم چه نظم اداری و چه نظم بدیع را نباید با تمام تعالیم الهیه یکی دانست، زیرا مجموعه تعالیم الهیه عبارت از امر الهی است و نظم بدیع چه در وهله کنونی و چه در حین بلوغ نهائی وسیله و اسباب حصول هدف عالی یعنی تحقق مدنیت الهیه در بسط غیراست، آلت است نه نفس شریعت و هرگز نباید قائم مقام امرالله قرار گیرد و نظم اداری هسته مرکزی و مظهر قوای مکنونه عالییه محیطه نظم بدیع جهان آرای الهی است که بعداً "استقرار پذیرد و خود مبشر طلوع عصر ذهبی گردد." (۱)

و نیز در یکی از دستخطها آمده است :

"... مقداری از اوصاف نظم بدیع که در آثار فارسی حضرت ولی امرالله مذکور گشته در آثار انگلیسی هیکل اطهر برای نظم اداری بهائی بیان گردیده است. با و صفاین، مطالعه و دقت در آثار انگلیسی حضرت ولی امرالله چنین نشان می دهد که اصطلاح "نظم بدیع" یعنی *"New World Order"* در مقایسه با اصطلاح "نظم اداری جهانی" از مفهومی شاملتر و کاملتر حکایت می نماید و آنچه امروز به نظم اداری بهائی اطلاق می شود در مراحل رشد و توسعه آتی خود به تدریج به صورت نظم بدیع الهی تحقق خواهد یافت، در عالم تمثیل همانطور که محافل محلی و ملی امروز در مراحل کمال خود به بیوت عدل محلی و خصوصی بدل خواهد شد به تعبیری دیگر نظم اداری بهائی مقدمه ظهور و استمرار تدریجی نظم بدیعی الهی است. اما چنانچه توجه فرموده اند در آثار فارسی حضرت ولی امرالله چنین امتیازی واضحاً منظور نگشته و به ذکر نظم بدیع به طور اجمال اکتفا شده است."

قسمت‌هایی از دستخط بیت‌العدل اعظم مورخ شهر البهاء ۱۴۳ بدیع

بیت‌العدل اعظم الهی در قسمتی از پیام شهر البهاء ۱۴۳ بدیع خطاب به یاران عزیز مهد امرالله در جمیع بلاد عالم " در ضمن اشاره به اعلان عهد رابع عصر تکوین چنین می‌فرمایند :

باری ای دوستان الهی با اینهمه ترقیات محیرالعقولی که نصیب امرالهی گشته هر صاحب‌بصیرتی درمی‌یابد که عالم بهائی وارد مرحله ای جدید در مراحل تدریجی نظم اداری امرالله گشته است . لهذا این هیئت طی پیام مورخ ۲ ژانویه ۱۹۸۶ اعلام داشت که حال عهد چهارم از عصر تکوین آغاز گردیده و مرحله جدیدی در حیات روحانی جامعه بهائی بوجود آمده است که خود طلوع عهدهای آینده این عصر نورانی خواهد بود و تا ظهور عصر ذهبی نظم بدیع جهان آرای الهی امتداد خواهد داشت .

بیراهل بهاء پوشیده نیست که مولای عزیز توانا حضرت ولی امرالله در تبیین مراحل نشو و ارتقاء امرا عظم و نظم جهان آرای الهی ، بهمان قسم که عصر رسولی را به سه عهد اعلی و ابهی و عهد مرکز میثاق جمال کبریا تقسیم فرموده اند ، عصر ثانی یا عصر تکوین را که امتدادش نامعلوم و ختامش با شروع عصر اخیر و ثالث دور بهائی یعنی عصر ذهبی مقارن است بمراحل منقسم ساخته و بیان داشته اند که عهد اول عصر تکوین با افتتاح الواح وصایای حضرت عبدالبهاء آغاز شد و قریب به ۲۵ سال امتداد یافت . در این عهد عظیم بهدایت و قیادت مرکز ولایت امر حضرت احدیت اساس نظم اداری امرالله مرتفع شد و بفرموده حضرتش " بتدریج قوه قدسیه الهیه که در عصر رسولی دور بهائی تولد یافته ... در مرحله اولای عصر تکوین در تشکیلات و مؤسسات این نظم بدیع متدرجا " حلول نموده و متجسد گردید .

عهد ثانی یا مرحله ثانیه عصر تکوین مقارن با سنین اولیه قرن دوم بهائی آغاز گردید و تا تأسیس بیت‌العدل اعظم در سنه ۱۲۰ بدیع ادامه یافت . در این عهد تشکیلات نظم جهان آرای الهی که بفرموده مبارک بمنزله " ادوات و قنوات مشخصه معینه اند کل " حامل و واسطه ایصال فیض نامتناهی الهی باین جهان پرورخت و انقلاب گردید و یاران بمدد آن وسائط فعاله نقشه های تبلیغی ملی را تدارک دیدند و خویش را آماده جولان در میادین بین‌المللی در ظل نقشه دهساله جهاد جهانی روحانی نمودند که بفرموده مبارک خود " مقدس و استحكام نظم بدیع الهی و اقامه ارکان دیوان عدل الهی در جمیع ممالک و بلدان عالم " بود .

عهد سوم از عصر تکوین با خاتمه نقشه دهساله و انتخاب بیت‌العدل اعظم اعلان گردید و قریب به ۲۳ سال ادامه یافت و شاهد رشد و نمو سریع امرالله و انتشار انوار

هدایت کبری و بسط مؤسسات مبارکه علیا در بسط غیرا گردید. در این مرحله محافل روحانیه مّلیه و محلیه از حیث تعداد و استعداد ترقیات عظیمه یافتند و برقبول مسئولیت های خطیر جدید قادر گشتند. هیئت های منتصبه مشاورین بوجود آمدند تا بادامه وظائف هیئت جلیله ایادی امرالله علمداران سپاه نجات پردازند و باقتدا از آن نفوس نفیسه در ترویج و محافظه امرالله ساعی و جاهد گردند.

تعداد محافل روحانیه مّلیه که ارکان بیت العدل اعظم محسوبند که در بدایت عهد ثانی فقط ۸ محفل بود درخاتمه عهد ثالث به ۱۴۸ محفل مّلی بالغ شد یعنی به بیش از ۱۸ برابر افزایش یافت.

بنای دارالتشریح که کانون مجهودات اهل بهاء است پایان یافت و واسطه ارتباط با مراکز متعدد عالم شد.

هیئت نمایندگی جامعه بین المللی بهائی در ملل متحد استحکامی فراوان پذیرفت و از عضو ناظر بعنوان عضو مشاور در سازمان های غیر دولتی ملل متحد ارتقاء یافت و نفوذ و خدماتش در ملل متحد در سبیل صلح و آشتی بین ملل و دول بیشتر شد. نقاب مجهولیت در اکثر نقاط عالم از وجه صبیح امر الهی گرفته شد و تجلیات جمال ابهی جهان امکان رافرا گرفت.

(ترجمه)

عهد مختلفه عصر تکوین

تهیه و تنظیم از اداره تحقیقات بیت العدل اعظم الهی

حضرت ولی عزیز امرالله در تعریف و توصیف آفاق تجلی شریعت حضرت بهاء الله اشاره به سه مرحله در مسیر نشو و ارتقای امر حضرت ذوالجلال می فرمایند که این سه مرحله عبارتند از اول عصر رسولی و یا عصر بطولی (۱۸۴۴ - ۱۹۲۱) که " بدو مظهر ظهور و مرکز عهد و میثاق رب غفور " مرتبط و منتسب است، و ثانی عصر تکوین و یا عصر انتقال (۱۹۲۱ -) عصری که آیت مختصه آن جلوه و ظهور اعلی و ابهی ثمره نظم بدیع جهان آرای جمال ابهی، و بالاخره عصر ذهبی که " مسک الختام این شرع جلیل است ". مطالعه دقیق تاریخ امر بهائی ثابت و مبرهن می سازد که عصرهای مذکوره هر یک مشتمل بر عهد مختلفه، متعدده می باشند که خود فی حد ذاته از اقسام و اجزاء مرکبه این دور محسوب و موصوفند.

مولای حنون در تویع منیع مورخ ۵ ژوئن ۱۹۴۷ خطاب به احبای امریک، عصر بطولی آئین

بهائی را به سه عهد متمایز منقسم و شئونات مختصه این عهد ثلاثه را بشرح ذیل بیان می فرمایند:

" عصر رسولی و بطولی آئین بهائی به سه عهد متفاوت، مرتکز و منقسم : عهد اول نه سنه ، عهد ثانی سی و نه سنه و عهد ثالث بیست و نه سنه امتداد یافته و بترتیب بظهور حضرت اعلی و شرع جمال قدس کبریا و فرع منشعب از سدره منتهی منتسب و مستند می باشند . در اولین عصر مشعشع دور بهائی که از لحاظ موهبت و کیفیت روحانیه اشرف و امجد از اعصار و ادوار در جمیع شرائع و ادیان سابقه می باشد قوه فاعله دافعه منبعضه از دو ظهور متعاقب متواصل مستقل صمدانی و پیمان و میثاق غلیظ و فریدی الهی که در تاریخ بشری بی نظیر و عدیل و مثیل است برجها نیان فائض گردید ."

عصر تکوین که حالیه اهل بهاء در ظل آن بخدمت عتبه مقدسه نورا مفتخر و متباهی اند با افول کوکب پیمان از افق عالم امکان آغاز گردید و از جمله تصرفات اساسیه ای که از قوه فاعله فائضه آن مندفع و مندفع گشته ، ایجاد و تشکیل و نشو و نما و تقویت و استحکام ارکان مؤسسات محلی و ملی و بین المللی امرالله است . با امعان نظر بوظائف و تکالیف مقرره مقدره منسب به عصر تکوین چنین مستفاد می گردد که تنفیذ و اجرای چنین مسئولیت های خطیری مستلزم آنست که جامعه بهائی مدارج رشد و بلوغ روز افزونی را در خدمات فائضه خویش طی نماید . " در خلال عصر تکوین و در دوران عهد حاضر و عهد متتالیه متتابعه آتیه قبه شامخه و مرحله اخیره قصر مشید نظم اداری آئین حضرت بهاء الله یعنی بیت العدل اعظم الهی مطابقاً " لما اراده المحبوب احکام کتاب مستطاب اقدس ام الكتاب شریعت بهائی با سلوبی بدیع اعلان گردد و اقامه شعائر مقدسه مابین بریه کاملاً ظاهراً " بی خوف و تقیه در بسیط زمین شهرتی عظیم یابد . اعلان صلح اصغر عالم را از بلای عقیم و داء و بیل نجات دهد . موهبت عالم انسانی رخ بگشاید ... و علامات بلوغ عالم که در الواح الهی مصرح ظاهر و پدیدار شود . تأثیرات عظیمه فرمان صادر از قلم مهیمن سالار جند بهاء خطاب بانصار دین الله و علمداران شریعت سمحاء در قاره امریکا و لوله در قارات خمسه دنیا و جزائر محیط اعظم اندازد ، انفعال شریعت الله از ادیان عتیقه کاملاً تحقق پذیرد و علم استقلال دین الله علی رؤس الاشهاد مرتفع گردد ."

عهد عصر تکوین مراحل نشو و ارتقاء را در تقدم و تطور ذاتی جامعه بهائی معلوم و مکشوف ساخته و مدارج رشد و بلوغ مؤسسات امریه را روشن و عیان می نماید بشأ نیکه میادین جدیدی در مسیر بذل خدمات و بده مجهودات تازه و نوینی ظاهر و باهر می شود . میقات هر عهده را مرکز ریاست و قیادت شریعه الهیه تعیین و اعلام می فرماید و بعلت حیثیت و کیفیت تقدم و تعالی ذاتی آن ، طول و انتقال عهده بعدی دیگر ممکن است دفعه " واحده احداث نگردد بلکه در طی برهه ای از زمان تحقق پذیرد . چنین است فسی

المثل نحوه آغاز عصر تکوین و وهله اختتام عهد اول آن عصر مشعشع مبین . فی الجمله عروج حمامه میثاق برفرف علی واقعه ایست که دلالت بر نهایت عصر بطولی و بدایت عصر تکوین می نماید و لکن حضرت ولی عزیزا مرالله در ضمن یکی از توابع مبارکه خویش پایان عصر رسولی را متقارن با ارتحال سلیله البهائه ، اخت محبوب حضرت مولی الوری ، حضرت ورقه علیا در سنه ۱۹۳۲ ، و دیعه عصریکه مشحون از جلالت و شها مت و بسالت است معین و مصرح فرموده اند .

و اما راجع باختتام عهد اول عصر تکوین ، حضرت ولی عزیزا مرالله میقات آنرا فیما بین سالهای ۱۹۴۴ و ۱۹۴۶ مذکور و مرقوم فرموده اند .

قبل از توصیف و تعریف عهد متفاوت ، عصر تکوین ، لازم و ضروریست که درباره کلمه عهد که در آثار مبارکه مولای مهربان بکرات وارد گردیده توضیح داده شود . در یکی از توابع صادره از قبل حضرت ولی امرالله مورخه ۱۸ ژانویه ۱۹۵۳ خطاب بیکی از محافل مقدسه روحانیه ملیه چنین تصریح گردیده که کلمه " عهد " در تفسیر و بیان دوره های مختلفه عصر تکوین و مراحل جلوه و بروز نقشه ملکوتی و فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهائه استعمال می شود . امروزه ما در عهد رابع عصر تکوین و عهد ثانی نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهائه قرار یافته ایم . (عهد اول نقشه ملکوتی در سنه ۱۹۳۷ با شروع اولین نقشه هفتساله جامعه بهائیان آمریکای شمالی آغاز گردید و با اختتام مظفرانه جهاد کبیر اکبر روحانی در سنه ۱۹۶۳ پایان یافت . عهد ثانی نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهائه در سال ۱۹۶۴ با بسدایت نقشه نه ساله بیت العدل اعظم الهی آغاز شد .)

هدف و مقصد اصلی از صدور این مقال شرح و بیان عهد و مختلفه متعدده عصر تکوین دور بهائیت .

عهد اول عصر تکوین : ۱۹۲۱ - ۱۹۴۴/۴۶

نخستین عهد این عصر شاهد احداث و ایجاد اقسام اولیه در تأسیس قواعد و وضع ارکان نظم اداری آئین بهائی گردید . در این عهد هم مبذوله و مساعی مشکوره در ارتفاع قواثم و دعائم تأسیسات محلیه و ملیه در قطعات خمه جهان متمرکز شد و بالنتیجه وسائل و وساطت لازمه مستوجه از برای تنفیذ و اجرای مجهودات تبلیغی منظم " مرتبا " مهیا و فراهم گردید . سپس احبای امریک در ظل توجهات و ارشادات مولای توانا حضرت ولی عزیزا مرالله اولین نقشه هفتساله خویش را (۱۹۳۷ - ۱۹۴۴) در خلال این عهد آغاز نمودند . این مشروع جلیل که از تجلیات ساطعه و الهامات فائضه یرلیخ بلیغ حضرت مولی الوری مستمد و مستفیض گردیده

اولین خطه مدونه، منظمه تبلیغیه جامعه بهائی محسوب می‌گردد که بکمال اتقان ترسیم و تکمیل گشت و ابواب را در سبیل تحقق نوایای مقدسه صادره در الواح مخصوصه و نازلها از قلم مرکز پیمان حضرت احدیه در نیمکره غربیه مفتوح ساخت.

عهد ثانی عصر تکوین ۱۹۴۶ - ۱۹۶۳

در این عهد دامنه انجازات عهد نخستین توسعه‌ای جدید یافت و در نصب اعمده و رفع بنیان نظم اداری امرالهی و تهیه و تنظیم مشروعات تبلیغی همتی بلیغ و جهدی جهید مبذول گردید تا نطق امرالله از نیمکره غربی و کشورهای اروپائی تجاوز نماید. از جمله معالم شاخصه این عهد تنفیذ و اجرای مشروعات ملیه در ازمه متشابهه و در احیان متتابعه متتالیه در اقطار شرقیه و غربیه است. فی المثل در توفیق مبارک مورخ رضوان ۱۰۵ بدیع خطاب با حبابی شرق حضرت ولی عزیز امرالله طرح نقشه‌های بدیعه محافل ملیه ایالات متحده آمریکا و بریطانیا و هندوستان و ایران و استرالیا و زلاند جدید و عراق را ذکر می‌فرمایند و متذکر می‌گردند که ترسیم خطط متنوع در اقطار شرقیه و غربیه تباشیر حلول مرحله ثانی این عصر نورانی را تشکیل می‌دهد. پس از آنکه محافل ملیه بر قواعد متینه رزینه استوار گشتند و به تجارب مفیده طیبه از بذل سعی و اهتمام در خدمات اداریه امریه دست یافتند، مولای حنون مبادرت به تدوین خطه منیعه مبارکسه جهاد کبیر روحانی فرمودند. جهادی که مشتمل بر دوازده نقشه متفرعه تابعه ملیه بوده و تنفیذ و اجرائشان متقارن و همزمان آغاز شد. این مشروعات تابعه با استمدادات لاریبیه از نقشه ملکوتیه حضرت عبدالبهاء مستمد و متباهی و مقاصد اصلی و اهداف کلی و جزئیشان را حضرت ولی امرالله معین و مصرح فرمودند. یکی دیگر از معالم شاخصه این عهد ارتفاع و اعتلاء و استحکام دائم التزاید بنیان مرکز جهانی امرالهی است.

در عهد ثانی رشد و بلوغ بیشتر مؤسسات و تشکیلات نظم اداری ظاهر و پدیدار گردید. ایادی جلیل‌القدر امرالله تسمیه و تعیین گشتند و اعضاء هیئت معاونت انتخاب و اسامی آنان اعلان گردید. شورای بین‌المللی بهائی تشکیل شد و دیوان عدل اعظم الهی، قمه شامخه رفیعه این عهد نورانی در سنه ۱۹۶۳ قدم بعرصه وجود نهاد. علائم و عواقب موثره و نتایج مألوفه خدمت و جدیت در ظل تشکیلات اداری در سبیل نیل با اهداف اولین جهاد روحانی جهانی ظاهر و آشکار گردید و ابواب آسایش و رخاء در مرکز امرالهی بیش از پیش گشوده گشت.

مولای مهربان در سال ۱۹۵۱ در توطیع منیع مبارک، خطاب به محفل مقدس روحانی ملسی بهائیان بریطانیا اشاره بمشاریع جهانی می فرمایند که بیت العدل اعظم الهی مقدراست در طی عهد آتیه، عصر تکوین تأسیس نماید. با اعلان نقشه، نه ساله که دومین مشروع جهانی در سبیل اعلان و ایصال کلمه، الهی بسمع آحاد و افراد جامعه بشری است، بیت العدل اعظم الهی در تمثیل و تعقیب رویه، مبارکه اقدام و عهد ثالث عصر تکوین را اعلام فرمودند. عهده که در طی آن جامعه بهائی بمدارج عالی تری از خدمات اداری که متناسب با عظمت افزایش و رفعت توسعه و کثرت حجم و تنوع و تعدد جوامع مختلفه، متفاوته مرکبه آن و جلوه، جامعه بهائی در انظار جهانیان بعنوان جامعه ای سلیم ووسیم و بالاخره واسطه اتساع دامنه، نفوذ و تأثیرات متقنه، امر الهی در سراسر عالم کون فائز و نائل گردید. در دستخط بیت العدل اعظم مورخ ۱۹۶۳ چنین مسطور و مذکور :

یاران محبوب، امر الهی که از آغاز اشراق در کشف حفظ و کلائت و عون و مرحمت دوظهور اعظم و مرکز عهد اقوم و آیت رب اکرم محفوظ و مصون مانده حال بمرحله جدیدی وافد و به عهد ثالث عهد تکوین واصل و وارد گشته است، این شرع کریم مستوجب و مستلزم آنست که دامنه بنیان مرصوصش بسرعت تام اتساع یابد و درنشئه، تماسک و تألف روحانی اش و قیادت و رزانتاداریش بدایع پیشرفت و ترقی حاصل شود و برداشته، تأسیسات مؤسسات متفرعه اش افزوده گردد و تأثیرات بلیغه در سطوح مختلفه و طبقات متفاوته، هیئت اجتماعیه وارد سازد. ما اهل بهاء باید با زیارت و تلاوت آیات و کلمات حیات بخش طلعات قدسیه، نورا و با عبودیت و خدمت باستان ملیک اسماء در بحر محیط آثار مبارکه، اسنی خوض و غوض نمائیم و بکسب معارف امریه وازد یاد تعمق روحانیه پردازیم و بکمال حزم و متانست نمونه ای از نشئه حیات را بجهانیان ارائه دهیم که مبتنی بر رشادت و بلاغت ووقار و مسئولیت و بهجت و مسرت و فارغ از مشتهیات و تعصبات و فاقد لهو و لعب و هواجس اجتماع کنونی عالم بشری باشد. دوره عهد ثالث سه مشروع جهانی را شامل گردیده که طی آن کلیه محافل روحانیه، ملّیه در ظل قیادت و هدایت بیت العدل اعظم الهی بتکمیل اهداف محوله اقدام کرده اند. این سه مشروع یکی نقشه، نه ساله (۱۹۶۴ - ۱۹۷۳) و دیگری نقشه پنج ساله (۱۹۷۴ - ۱۹۷۹) و سومی مشروع هفت ساله (۱۹۷۹ - ۱۹۸۶) می باشند. در این دوره امر الهی نقاب مجهولیت از رخ بیکسو افکند و ترتیبات لازمه جهت توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی جوامع مختلفه را ببازوی اقتدار تأسیس نمود. بنیاد مؤسسه هیئت مشاورین قاره را بنهاد و به تشکیل دارالتبلیغ بین المللی توفیق یافت. اعضاء هیئت

مساعدين را انتخاب نمود. در ارض مقصود و كعبه امر رب و دود ارتفاع بنیان رفيع المنار بيت العدل اعظم و انتقال آن مرجع افخم بمقر جديد در مركز امر رب مجيد قمه ساميه انجازات جليله اين عهد محسوب است.

عهد چهارم عصر تكوين ۱۹۸۶

بيت العدل اعظم الهی در دستخط مورخ دوم ژانويه ۱۹۸۶ خطاب بقاطبه بهائیان عالم بدایت عهد چهارم عصر تكوين را اعلان فرمودند. در این دستخط موارد مهمه و نکات برجسته ترقی و نمو ذاتی عظیم و جسم شرع کریم در طی عهد ثالث که اخیراً "بپایان رسیده تصریح گشته و با مکنیات جامعه بهائی که خود را از برای تنفیذ و تطبیق و تحقیق اهداف مشروع شش ساله که در ۲۱ آوریل ۱۹۸۶ آغاز می گردد آماده و مهیا ساخته اشاره شده و شئونات مختصه و مقاصد عمومیه نقشه بدیعه جدید مذکور و مسطور گردیده است. گر چه در گذشته و مواقع سابقه اهداف اصلیه مشاریع مختلفه هر یک از مرکز جهانی منبعث و صادر می گردید و لکن در این نقشه اهداف خاصه، جوامع ملیه کل برطبق موازین و مقاصد کلیه نقشه پس از مشاورات محافل ملیه مربوطه و هیئت های مشاورین قارات تهیه و تنظیم خواهد گشت. بدین مناسبت بيت العدل اعظم در آن دستخط منیع چنین مرقوم داشتند: "این نحوه اقدام... بدایت مرحله تازه ای را در جلوه نظم اداری ظاهر و نمایان می سازد". حضرت ولی عزیز امرالله تجلی عهدهای مختلفه متابعه^ی را در عصر تكوين پیش بینی فرموده بودند. حال بيت العدل اعظم ظهور و بروز این مرحله تحول و تکامل اخیر را در رشد و بلوغ تشکیلات بهائی بدایت عهد رابع عصر تكوين تعیین و اعلام می فرمایند.

عهد آتیه

وظائف و تکالیف آتیه که باید در خلال عصر تكوين در عرصه وجود انجام و اتمام پذیرد بسیار و بیشمار است. واقعه ها در پیش است و حوادث جسمه جلیله از عقب مراحل آتیه و عهد متابعه در آینده ظاهر و پدیدار خواهد گشت و هر یک شاهد تحقق اقسام و فترات مختلفه تطور و تکامل نظم اداری در حیث وجود خواهند بود و عاقبه الامر منتهی بحلول عصر ذهبی دور مقدس شریعه الهی خواهند شد. عصر ذهبی خود فی حد ذاته منقسم باقسام و عهد متتالیه خواهد بود که متناوباً "متسلسلاً" در عالم امکان لائح و عیان خواهند گشت و منجر باستقرار صلح اعظم در بسط زمین و جلوه سلطنت عالمیه و غلبه ظاهره شریعت سماویه خواهد شد و مدنیت لاشرقیه و لاغربیه الهیه در اقطار جهان برقرار خواهد

«نظم بدیع و انجمن عالم انسانی»

نظم بدیع جهان آرای الهی که داروی شفا بخش عالم انسانی در عصر حاضر بوده و با صفات و ویژگی هایی ممتاز نسبت به نظامات بشری و مذهبی امتیاز یافته و با تکیه بر عهد و میثاق محکم الهی این امتیاز را مشخصتر ساخته و خود بر تار و پودی از احکام و مبادی و ارکان محکمه متین، ولایت و بیت العدل اعظم استقرار یافته ، هدفی مقدس و والا را پیشرو دارد که نیل به آن در طول تاریخ بشریت همواره جزء آمال و آرزوهای انسانی بوده و در تمامی مذاهب مقدسه و حتی آثار فلاسفه به این ندای درونی و نیاز عاطفی به گونه ای اشاره شده و آن همان اتحاد و اتفاقی است که در ظل تعالیم الهیه در بسط غرباء رخ گشاید و عالم را جنت ابهی نماید و خود زمینه ای برای استقرار ملکو^ت الهیه در عالم خاک گردد .

" این در حقیقت اوج شایسته سیر کمالی خواهد بود که از خانواده یعنی کوچکترین واحدی در مراتب تشکیلات جامعه بشری شروع شده و باید پس از آنکه متابعا " قبیله و شهر و ملت را به وجود آورد عملیات خود را ادامه داده منجر به وحدت تمام عالم انسانی گردد که آخرین منظور و تاج افتخار تکامل انسانی در این سیاره است . به طرف این مرحله است که نوع بشر خواه ناخواه و به ناچار نزدیک می شود . برای وصول به این مقام است که این بلای دامنه دار و مبرم که نوع بشر بدان دچار شده خفیا " جاده را هموار می سازد . به این مقام است که تقدیرات و مقصد امر حضرت بهاء الله به طور انفکاک ناپذیر بستگی دارد . آن قوای خلاقه که ظهور آن در سنه ستین به وجود آورد و سپس به فیوضات متابعه، قوه ملکوتی که در سنه التسع و سنه هشتاد برای تمام نوع بشر نازل شد تأیید گشته در عالم بشریت چنان استعدادی دمید که بتواند به این مرحله نهائی سیر تکاملی ترکیبی و عمومی خود نائل گردد . انجام این سیر کمال همواره با قرن ذهبی آن حضرت توأم شمرده خواهد شد . بنیان نظم بدیع جهانش که اکنون در رحم مؤسسات اداری که خود آن حضرت پدید آورده در جنبش و حرکت است و نمونه و هسته مرکزی آن هیئت جمعیت جهانی خواهد شد که سرانجام قطعی و حتمی امم و ملل ارض است . " (۱۱)

جامعه متحد جهانی طبعاً " در برگیرنده خصوصیات و ویژگی هایی است که حضرت ولی محبوب امرالله در یکی از توابع خویش به آن اشاره می فرماید :

" این جامعه متحد جهانی تا جایی که می توان تصورش را نمود باید دارای یک هیئت

مقننه باشد که اعضایش به منزله امنای تمام نوع انسان با مال جمیع منابع ملل آن جامعه جهانی را در اختیار خود گیرد و قوانینی را وضع کند که برای تنظیم حیات و رفاهات و ترمیم روابط جمیع ملل و اقوام لازم و واجب است. در چنان جامعه ای یک هیئت مجریه به پشتیبانی یک نیروی پلیس بین المللی مصوبات هیئت مقننه را اجرا کند به تنفیذ قوانینش پردازد و وحدت اطمینان تمام جامعه جهانی را حفاظت نماید و نیز یک محکمه جهانی تشکیل شود که تمام دعوی حاصله بین عناصر مرکبه این نظام جهانی را داوری کند و حکم نهایی و لازم الاجرایش را صادر نماید. یک دستگاه ارتباطات و مخابرات بین المللی به وجود آید که با سرعتی حیرت انگیز و نظم و ترتیبی کامل به کار افتد و جمیع کره زمین را در برگیرد و از جمیع موانع و قیود ملی آزاد باشد، یک پایتخت بین المللی به منزله کانون و مرکز اعصاب مدنیت جهانی تعیین شود که کانونی برای تمرکز و توجه قوای وحدت بخش حیات باشد و از آن انوار نیروبخش و جان افزایش به جمیع جهات ساطع گردد. یک زبان بین المللی ابداع شود و با یکی از زبانهای موجود انتخاب و علاوه بر زبان مادری در تمام کشورهای فدرال جهانی تعلیم داده شود. یک خط و ادبیات جهانی، یک نظام مشترک برای پول و اوزان و مقادیر تعیین شود و روابط و تفاهم بین نژادهای متنوع و ملل جهان را ساده و سهل نماید. در چنین جامعه ای جهانی علم و دین یعنی دو نیروی بسیار توانای بشر با هم آشتی پذیرند و همکاری نمایند و پیشرفتشان هماهنگ شوند، در سایه چنین نظامی مطبوعات به اظهار نظرات و عقاید بشر کاملاً میدان دهد و از اینکه مورد سوء استفاده ارباب غرض چه شخصی و چه عمومی قرار گیرد ابا کند و از قیود نفوذ ملل و دول متنازع رهاشی یابد. منابع اقتصادی جهان تحت نظم در آید و از مواد خام بهره برداری و استفاده شود بازار فروش توسعه و هماهنگی یابد. محصولاتش به طور عادلانه توزیع شود، رقابتها و کینه ها و دسائس ملی از میان برخیزد و تعصبات و عداوتهای نژادی به دوستی و حسن تفاهم و همکاری تبدیل گردد، علل خصومتهای دینی رفع و موانع و قیود اقتصادی کاملاً القاء و تفاوت فاحش نابود شود و هم فقر و فاقه و هم مالکیت و ثروت فوق العاده از بین برود و نیروهای عظیمی که در راه جنگ های اقتصادی و سیاسی به هدر می رود از آن پس معطوف به اهداف لایقی از قبیل توسعه و اختراعات و ترقیات فنی و ازدیاد تولیدات و محصولات بشری و ازاله امراض و توسعه تحقیقات علمی و بالابردن سطح صحت و تشحیذ و اعتلاء مغز و فکر بشری و بهره مندی از منابع بکر و ناشناخته کره زمین و درازی عمر انسان گردد و به ترویج هر وسیله ای که حیات فکری و اخلاقی و روحانی نوع انسان را تقویت کند پردازد. در چنان جامعه ای یک نظام فدرالی جهانی برقرار گردد که بر جمیع بلاد حکومت نماید و فرمانروای بلا منازع منابع بسیار

عظیمش باشد و مرامهای عالیہ شرق و غرب را در برگیرد و طلسم جنگ و بدبختی را بشکند و به استفاده از جمیع منابع موجود در زمین راغب باشد. در چنان نظامی زور خادم عدل و داد شود و بقایش متکی باشد بر شناسائی خداوند یگانه و پیروی از یک دیـمن عمومی این است هدف و مقصدی که نوع انسان ناگزیر بر اثر نیروهای وحلّ بخش حیات به سوی روان است. " (۲۱)

هد
با طلوع نظم بدیع جهانی و تأسیس جامعه متحد جهانی وقایع بسیاری در عالم رخ خواهد داد که سبب تغییر وجه امکان شده که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

" ... دوره بلوغ تمام نوع انسانی اعلام و تمام ملل و نحل ارض آن را جشن خواهند گرفت. آن وقت است که علم صلح اعظم برافراشته خواهد شد. آن وقت است که سلطنت جهانی حضرت بهاء الله مؤسس ملکوت اب آسمانی که این پیشگوئی را فرموده و تمام انبیای الهی چه قبل و چه بعد او نبوت کرده اند شناخته و با شرف و وجد استقبال و بانهایت استحکام استقرار خواهد یافت آن وقت است که یک مدنیت عالمگیر تولد شده و رونق یافته و پایدار خواهد ماند، مدنیتی که مظاهر حیات به تمام معنی چنان که دنیا هرگز ندیده و درک نکرده در آن جلوه خواهد کرد. آن وقت است که عهد ابدی به طور کامل تحقق خواهد یافت. آن وقت است که مواعید مندرج در تمام کتب الهیه به انجام خواهد رسید و تمام نبوتاتی که پیغمبران سلف بدان تکلم کردند به وقوع خواهد پیوست و رویای پیشگویان و شعراء تحقق خواهد یافت، آن وقت است که کره ارض با ایمان عمومی تمام ساکنین آن به خدای واحد و اطاعتشان به یک ظهور مشترک صیقل یافته در حدود مراتبی که برای آن مقرر شده تجلیات لمیعه، سلطنت حضرت بهاء الله را که با اشد اشراق از جنّت ابهی می درخشد منعکس ساخته و محل عرش رفیع خداوندی گشته و با سرور و شرف بهشت دنیوی شناخته شده و قادر بر تحقق آن سرنوشت غیر قابل وصفی خواهد شد که از اول لاول بر اثر حبّ و حکمت وجدان برایش مقرر شده است. " (۳)

اما نکته ای که می بایست به آن توجه نمود اینست که :

" پیدایش یک جامعه جهانی و اعتقاد وجدانی به یک وطن بودن عالم و تأسیس مدنیت و فرهنگ جهانی که باید با اولین مراحل عصر ذهبی دور بهائی مقارن باشد هر چند از لحاظ اجتماعی بالاترین حد پیشرفت در سازمان یافتن جامعه بشری محسوب می شود اما یقیناً " ترقی بشر از لحاظ انفرادی بر اثر تحقق آن جامعه جهانی متوقف نخواهد شد والی غیر النهایه به پیشرفت و تقدم ادامه خواهد داد. " (۴)

۱ - توفیق قد ظهر یوم المیعاد فصل قرن عظیم آینده

۲ - توقیع تولد مدنیت جهانی مندرج در نظم جهانی بهائی ص ۱۶۷ - ۱۶۵

۳ - توقیع قد ظهر یوم المیعاد فصل انجمن عالم

۴ - توقیع تولد مدنیت جهانی مندرج در مجموعه نظم جهانی بهائی ص ۱۰۱

طول عهد پنجم از عصر تکوین

در تاریخ ۱۶ ژانویه ۲۰۰۱، بیت‌العدل اعظم، اختتام عهد چهارم و آغاز عهد پنجم عصر تکوین را به جامعه بهایی اعلان نموده و علل آن را در پیام ذیل ذکر فرمودند.

ترجمه پیام بیت‌العدل اعظم

خطابه عموم بهائیان عالم

مورخ ۱۶ ژانویه ۲۰۰۱

"... شور و مذاکرات مشاورین مرکز و محور این اقدامات شکوهمند بوده است. کیفیت بارز مشاورات مزبور آمیخته از متانت و اعتدال، جدیت و شور و شوق بوده و موجب تلطیف کیفیت مذاکرات و تنویر افکار گردیده است. از روحیه اطمینان و اعتمادی که بر این مشاورات حکمفرما بوده چنین معلوم است که مؤسسه مشاورین قاره‌ای به مرحله جدیدی از بلوغ نائل شده است. اگرچه مشاورین اصولاً بنحو فردی انجام وظیفه می‌کنند ولیکن مشاورین تمام هیاتهای قاره‌ای وحدت نظر حاصل نموده و در اثر درک و فهم و جذب نتایج تجارب حاصل از منتظم ساختن اقدامات که از اهداف نقشه چهارساله بود برآستی بصورت مجاری صافیه وحدت، در فکر و نظر درآمده‌اند. سبب قدردانی است که حصول مرحله والاتری از رشد و تکامل مؤسسه مشاورین در عین حال انعکاسی از میزان رشد و بلوغ محافل روحانی و مؤسسات امری جامعه جهانی است که حاصل تذکرات خردمندان و مداوم آنان بوده است.

زمانی که موعد تشکیل کنفرانس نزدیک می‌شد علائم و آثاری که حاکی از وصول امر بهایی به مرحله‌ای از رشد و توسعه ملاحظه گردید که در ورای آن افقی جدید را در برابرمان نمایان می‌سازد. در گزارشی که در رضوان گذشته ارسال شد به تحوّل اساسی در فرهنگ جامعه بهایی اشاره شده بود که نتیجه تقارن روزافزون به وجود آمدن مؤسسات آموزشی، به تمام رسیدن طرحهای ساختمانی کوه کرم و جریانات داخلی جامعه در جهت تحکیم و تقویت مؤسسات امری و حرکتهایی در خارج از جامعه بسوی اتحاد جهانی است... ولیکن نیروی محرکه خارق‌العاده‌ای که در سراسر مشاورات کنفرانس وجود داشت اشارات قبلی را به صورت واقعیتی قابل رویت مجسم نمود. با وجد و سرور حاصل از این ملاحظات به عالم بهایی اعلام می‌داریم که اکنون امر حضرت بهاء‌الله وارد پنجمین عهد عصر تکوین شده است..."

قسمتی از توقیع منیع "دور بهائی"

نظم اداری

یاران و یاوران حضرت عبدالبهاء ، شمس‌هدایت‌الهی که شیخ احمد و سید کاظم طلوع آنرا از افق شیراز بشارت داده بودند، در سیر به اقطار غربیه در ادرنه به اوج اعلی رسید و آخر الامر با صعود حضرت بهاء‌الله در افق عکاً غروب نمود و دیگر قبل از انقضای هزار سال تمام طلوع نخواهد کرد. غروب چنین کوکب لامعی دوره، نزول وحی الهی را که اهم و اقدم مرحله، دور بهائی است، بکلی خاتمه داد.

صرف نظر از مدت کوتاه بین شهادت حضرت اعلی و نزول وحی بر جمال ابهی در سیاه - جال طهران ، این دوره که حضرت باب آن را آغاز فرمودند و در زمان حضرت بهاء‌الله به ذروه، علیا واصل شد و به بشارت و نعوت جمیع انبیای این کور عظیم مسبوق است، به نزول مستمر آیات در مدتی قریب به پنجاه سال ممتاز و بدین سبب از حیث ثمرات و طول مدت وحی در سراسر تاریخ ادیان بیسابقه و نظیر است.

با صعود حضرت عبدالبهاء نیز عصر رسولی این ظهور که اولین مرحله، آئین نازنین ماست خاتمه یافت. عصری که شکوه و جلالش بحدی است که عظمت فتوحات امرالله در مستقل ایام در مقابل آن جلوه و ظهوری نکند تا چه رسد به اینکه آن را تحت الشعاع قرار دهد. زیرا موفقیت‌های بنیان مشروعات کنونی امرالله و فتوحات باهره ای که در مستقبل ایام نصیب باسلان عصر ذهبی خواهد شد با اعمال حمیرت بخش نفوسی که سبب حیات امرالهی گشته و اساس اصلیه، آن را بنیان نهاده اند، برابری ننماید و در صفع واحد درنیاید. آن عصر اول و خلاق دوربهائی باید بنفسه از عصر تکوین که بدان وارد گشته ایم و عصر ذهبی که متعاقب آن خواهد بود، اولی و متمایز باشد.

حضرت عبدالبهاء حائز مقامی است که در ادیان معتبره، عالم بینظیر و مثیل است. می توان گفت که آن حضرت عصری را که خود منتسب به آن بود، ختام بخشید و عصر ثانی را افتتاح فرمود که ما حال در آن قائم بخدمتیم. باین ترتیب الواح و صایا حلقه، ارتباط ابدی و لاینقصی است که سرالله الاعظم حضرت عبدالبهاء جهت ارتباط اعصار ثلاثه، امریهائی بوجود آورده است. بنا براین عصر نشو و نما، تدریجی بذر امرالله باعصار ازهار و عصر بعد از آن که مآلاً اثمار ذهبیه اش بار می آید مرتبط و پیوسته است.

قوای خلاقه، منبعثه از شریعت حضرت بهاء‌الله که در هویت حضرت عبدالبهاء حلول نمود و توسعه یافت در اثر تماس و تأثیرات متقابله سدی بوجود آورد که می توان آن را بیه منزله، دستور نظم بدیع عالم که در عین حال افتخار این کور اعظم و نوید آن است، تلقی

نمود. لذا الواح وصایای مبارکه را می توان بمنزله ولیدی دانست که طبعاً " از اقتران معنوی آن نافخ قوه مولده مشیت الهیه با واسطه ظهور و حامل برگزیده آن قوه بوجود آمده، چون الواح وصایا ولید عهد و میثاق است یعنی هم وارث شارع وهم وارث میبسن شریعت الله، لهذا نمی توان آن را نه از موجد قوه فاعله اولیه و نه از آنکه آنرا مالا" بیار آورده، مجزی نمود. باید همواره بخاطر داشت که منویات منبیه حضرت بهاء - الله بنحوی در روش و حالات حضرت عبدالبهاء نفوذ و سریان یافته و مقاصد آنان بقسمی با یکدیگر ممزوج و مرتبط گشته که صرف مبادرت به انتزاع تعالیم جمال قدم از تاسیساتی که مثل اعلاهی همان تعالیم وضع فرموده بمنزله رد یکی از مقدس ترین حقائق اساسیه این آئین بشمار می رود.

نظم اداری امرالله که از حین صعود حضرت عبدالبهاء تاکنون همواره در نشوونما بوده و در مقابل انظار اهل بهاء لاقل در جهل اقلیم از اقلیم جهان مجسم و مصور گشته بمنزله قالب الواح وصایای مبارکه است که این طفل نوزاد در آن حصن حصین پرورش یافته و رشد و نما می نماید. این نظم اداری چون توسعه یابد و اساسش تحکیم گردد، قطعاً قوای مکنونه و آنچه را که در هویت این سند خطیر که مرآت مجلای نوایای یکی از اعظم طلعات دور حضرت بهاء الله است، ظاهر و آشکار خواهد نمود و همینکه اجزای مرکبه و تاسیسات اصلیه اش باکمال اتقان و جدیت شروع به فعالیت نمود، دعوی خود را مبرهن داشته ثابت خواهد کرد که نه تنها قابلیت آن را داراست که بمنزله هسته نظم بدیع الهی محسوب گردد بلکه نمونه کامل آنست و باید در میقات خود عالم انسانی را فراگیرد.

در اینخصوص باید متذکر گردید که این نظم اداری اساساً با آنچه انبیای سلف وضع فرموده اند، متفاوت است، زیرا حضرت بهاء الله بنفسه اصولش را بیان و تاسیساتش را استوار و مبین کلمه اش را معین فرموده اند و به هیأتی که مأمور تکمیل و تنفیذ احکام شرعیه اش بوده، اختیارات لازم عنایت کرده اند و این جمله خود رمز قوت امر - الله و مابه الامتیازش از سایر ادیان و ضامن حفظ و وقایتش از انشقاق و تجزی است. در هیچیک از کتب مقدسه ادیان عالم حتی در آثار حضرت اعلی نمی توان راجع به عهد و میثاق و تدارک، نظم اداری خصوصی یافت که از حیث درجه و اعتبار با آنچه در این مورد در اساس آئین بهائی است، قابل قیاس باشد. آیا فی المثل در مسیحیت و یا اسلام که دو نمونه بارز از ادیان کثیر الانتشار معظم عالمند می توان چیزی یافت که با کتاب عهدی و یا الواح وصایا قیاس گردد و یا معادله نماید؟ آیا نصوص انجیل و یا قرآن هیچیک به رؤسا و مجامعی که مدعی مقام تبیین و حق تفسیر مندرجات کتب مقدس و اداره امور

جامعه خود بوده اند ، اختیارات کافیه اعطا می نماید؟ آیا پطرس قائد مسلم حواریون و امیرالمؤمنین علی پسر عم و وصی شرعی حضرت رسول دارای شواهد و نصوص صریحی از حضرت مسیح و حضرت محمد بوده اند که مؤید بر ولایت ایشان باشد و بتواند منکرین آنان را چه در زمان حیات و چه در ادوار بعد با مخالفت خود سبب انشاقی که تا امروز باقی است گشته اند ملزم به سکوت نماید؟ آیا در کدامک از آثار مضبوط حضرت مسیح درباره خلافت و نزول احکام مخصوصه و دستورات صریحه اداری که کاملاً از مبادی روحانی متمایز باشد ، چیزی می توان یافت که قابل قیاس با اوامر مشروحه و قوانین و حدود عدیده ای باشد که در نصوص آثار حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء نازل گردیده است؟ آیا هیچیک از آیات قرآنی که از حیث قوانین شرعی و دستورات اداری و فرائض دینی بر ادیان منحلّه سالفه تقدّم بارزی دارد ، اختیار مسلمی را که حضرت محمد شفاها " در موارد عدیده به وصی خود اعطا کرده بود ، بر اساس متینی استوار سازد؟

شارع آئین بابی نیز هر چند تا حدی بوسیله کتاب بیان فارسی از بلای انشاقی که دامنگیر مسیحیت و اسلام گردید ، کاست ولیکن آیا می توان گفت برای صیانت امرش اساس صریح و مؤثری گذاشته است که با آنچه الی الابد باید ضامن وحدت در میان پیروان حضرت بهاء الله باشد ، برابری کند؟

تنها این آئین در میان ادیان سالفه بر اثر دستورات صریحه و اندازات مکرره و نصوصی که کافل صون و وقایت امرالله است بنیانی نهاده است که پیروان گمگشته مذاهب متشتت و درمانده عالم باید به آن نزدیک شده در آن تأمل و تمعن نمایند و تا وقت باقی است در کھف صلح و سلام خلل ناپذیر عالمگیرش ملجاء و مقر جویند .

پس عجب نیست که حضرت عبدالبهاء که با کتاب وصایایش مؤسس جنس نظام بدیع و مرکز چنین میثاق متینی است باین بیانات ناطق باشد :

" از اول ابداع تا یومنا هذا در ظهور مظاهر مقدسه جنین عهد محکم متینی گرفته نشده " و نیز در تاریخ ترین و خطرناک ترین ایام عهد خود چنین فرموده است :

" بتدریج آنچه در هویت دور مقدس است ظاهر و آشکار گردد . الان بدایت انبیا است و آغاز ظهور آیات بینات . " و این کلمات اطمینان بخش آن حضرت که مبشر ارتفاع نظم بدیع مقرر در الواح وصایا است :

" اگر چنانچه وقتی آید غصن از عالم جسمانی انفصال یابد و اوراقش بریزد ، هراسان مشوید زیرا البته سبز و خرم شود و پس از مفارقتش چنان انبیا نماید و نشو و نما کند که عالم وجود را به ظل خویش در آورد و اوراقش به ذروه علیا سر بر آرد و به ثمر و فواکھی جلوه کند که جهان را معنبر سازد . " (مضمون بیان مبارک)

کلمات مبارکه ذیل را بهیچ چیز جز بقدرت و عظمتی که نظم بدیع حضرت بهاء الله از خود به ظهور خواهد رسانید، حمل نتوان نمود. نظمی که شالوده حکومت عالمگیر بهائی در مستقبل ایام است. قوله الاعلی :

" قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الذی ما شهدت عین الابداع شبهه . "

حضرت باب بنفسه در اشاراتش بمن یظهره الله اخبار و ستایش از نظم بدیع می نماید که باید ظهور حضرت بهاء الله آن را ظاهر فرماید : در باب سوم از بیان فارسی این آیه مهمه مذکور است :

" طوبی لمن ینظر الی نظم بهاء الله و یشکر ربه فانه یظهر و لامرد له من عند الله فی البیان . "

در الواح حضرت بهاء الله که در آن اساس بیت عدل بین المللی و بیوت عدل محلی صریحا " معین و مقرر گشته است، در مؤسسه ایادی امرالله که بدوا " حضرت بهاء الله و سپس حضرت عبدالبهاء آنرا بوجود آوردند، در اساس محافل روحانی محلی و ملی که حتی قبل از صعود حضرت عبدالبهاء در مرحله جنینی خود به ایفای وظیفه مشغول بودند، در اختیاراتی که شارع آئین ما و مرکز میثاق در الواح خود به این محافل عنایت فرموده اند، در اساس صندوق خیریه محلی که اداره آن بر طبق دستورات مخصوص حضرت عبدالبهاء خطاب به پاره از محافل روحانی در ایران بوده است، در آیات کتاب مستطاب اقدس که در آن تلویحا " به اساس ولایت امر اخبار گشته، در باره اصل توارث و تقدم ولد ارشد که در جمیع شرایع گذشته معمول بوده است و حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح خود آن را تأکید می فرمایند، در جمیع این موارد آثار و علائم اولیه این نظم اداری و جریان آن مشهود است که حضرت عبدالبهاء آن را بعدا " در الواح وصایای خویش اعلام و برقرار فرمودند.

حال لازم است به تبیین خاص و وظائف ولایت امر و بیت عدل دو رکن این بنیان مشید نظم اداری مبادرت گردد.

تشریح کامل عناصر مختلفه ای که با این مؤسسات انجام وظیفه می نمایند، خارج از حدود و مقصود این رساله است که متضمن حقائق اساسی امرالله می باشد. تبیین و تشریح کامل روابطی که این دورکن اساسی الواح وصایای حضرت عبدالبهاء را بیکدیگر متصل و هریک را به شارع آئین و مرکز میثاق مرتبط می نماید وظیفه ایست که نسلهای آینده کما ینبغی ویلیق ایفا خواهند نمود.

منظور فعلی این عبد آنست که با آنکه حال بدایت ظهور است و درک عظمت این نظم

چنانکه باید میسر نیست، به ذکر بعضی از خصائص بارزه این دو رکن نظم اداری پردازم که قبلاً" به صراحت بیان شده و عدم وقوف بر آن قابل عفو اغماض نیست.

در بدو امر باید به نهایت وضوح و بدون هیچ ابهامی مذکور گردد که این دو مؤسسه نظم اداری حضرت بهاء الله اساس من عندالله است و وظایفش خطیر و ضروری و مرام و مقصد شان مکمل یکدیگر. هدف مشترک و اساسی این دو مؤسسه آنست که همواره سلطه و اختیاراتی را که من جانب الله بوده و از نفس مظهر ظهور سرچشمه گرفته است، حفظ نماید و وحدت پیروان آئینش را محفوظ دارد و اصالت و جامعیت تعالیمش را صیانت کند و بمقتضای زمان قوانین غیر منصوصه را تشریح نماید و چون این دو مؤسسه لاینفصم متفقا" به اجرای وظائف پردازند، امور تمشیت پذیرد و اقدامات جامعه مرتبط گردد و مصالح امرالله ترویج یابد و قوانینش تنفیذ شود و تشکیلات تابعه اش حمایت گردد، هر یک منفردا" در حدود اختیارا معینه و وظائف خود را انجام می دهد و دارای تشکیلات فرعیه ایست که برای اجرای شایسته، وظایف و تکالیف آن مقرر گشته است و نیز قدرت و اختیارات و حقوق و امتیازات خود را در حدود مشخصه اعمال می نماید و قدرت و اختیارات و حقوق و امتیازات این دو مؤسسه هیچیک با یکدیگر متناقض نیست و بهیچوجه از مقام و اهمیت دیگری نمی کاهد و گذشته از اینکه غیر متجانس و هادم اساس هم نیستند، اختیارات و وظائفشان مکمل یکدیگر است و اساسا" در مقاصد و نوایا همواره متحدند.

هرگاه ولایت امر از نظم بدیع حضرت بهاء الله منتزع شود، این نظم ناقص ماند و الی الابد محروم از اصل توارثی می گردد که بفرموده حضرت عبدالبهاء در جمیع شرایع الهی نیز برقرار بوده است. حضرت عبدالبهاء در لوحی که به افتخار یکی از احبای ایران نازل گردیده می فرماید: "در جمیع شرایع الهیه ولد بکر امتیازات فوق العاده داشته حتی میراث نبوت تعلق به او داشت."

بدون این مؤسسه وحدت امرالله در خطر افتد و بنیانش متزلزل گردد و از منزلتش بکاهد و از واسطه فیضی که بر عواقب امور در طی دهور احاطه دارد، بالمره بینصیب ماند و هدایتی که جهت تعیین حدود و وظائف تقنینیه منتخبین ضروری است، از آن سلب شود و چنانچه بیت عدل اعظم که اساسا" اهمیتش از ولایت امر کمتر نیست از آن منتزع گردد، نظم بدیع حضرت بهاء الله از جریان بازمانده، دیگر نمی تواند حدود و احکام غیر منصوصه تشریحی و اداری امرالله را که شارع اعظم متعمدا" در کتاب اقدس نازل فرموده، تکمیل نماید.

حضرت عبدالبهاء راجع به وظائف ولایت امرالله در الواح وصایا می فرماید: "اوست مبین آیات الله" و این عینا" عبارتی است که آن حضرت در موقع اعتراض ناقضین میثاق،

به مقام تبیین از نصوص مبارکه حضرت بهاء الله اختیار فرموده ، در رد آنان اظهار می داشتند و نیز می فرماید : " و من بعده بکرا " بعد بکر یعنی در سلاله او " و ایضا " می فرماید :

" حصن متین امرالله به اطاعت من هو ولی امرالله محفوظ و مصون ماند و اعضای بیت عدل و جمیع اغصان و افنان و ایادی امرالله باید کمال اطاعت و تمکین و انقیاد و توجه و خضوع و خشوع را به ولی امر داشته باشند ."

و در مقام دیگر حضرت بهاء الله در ورق هشتم از فردوس اعلی می فرماید :

" آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده باید امنای بیت عدل مشورت نمایند آنچه را پسندیدند مجری دارند انه یلهمهم ما یشاء و هو المدبر العظیم ."

حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا می فرماید : " مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی و بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا به اکثریت آراء تحقق یابد همان حق و مراد الله است من تجاوز عنه فهو ممن احب الشقان و اظهر النفاق و اعر عن رب الميثاق ."

حضرت عبدالبهاء نه فقط بیانات مذکوره در فوق را که از بیاعه حضرت بهاء الله نازل گشته تایید می فرماید بلکه به این هیئت حق و اختیار آنها اعطاء فرموده است که به اقتضای زمان قوانینی را که خود و یا هریک از بیوت عدل سابق تقنین کرده اند ، نسخ نماید . چنانچه در الواح وصایا به صراحت می فرماید :

" چون بیت عدل واضع قوانین غیر منصوصه از معاملات است ، ناسخ آن مسائل نیز تواند بود ... زیرا نص صریح الهی نیست ."

و نیز این کلمات اکیده را درباره ولایت امرالله و بیت عدل اعظم بیان می فرماید :

" فرع مقدس و ولی امرالله و بیت عدل عمومی که به انتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفدا است ، آنچه قرار دهند من عندالله است ."

از این بیانات کاملاً واضح و روشن است که ولی امرمبین آیات الله و بیت عدل اعظم واضح احکام غیر منصوصه است . تفسیر و تبیین ولایت امر در دایره خویش همانقدر مورد تمکین و انقیاد است که قوانین موضوعه بیت عدل که حقوق و امتیازاتش وضع قوانین و احکام غیر منصوصه حضرت بهاء الله است . هیچیک از این دو نمی تواند به حدود مقدسه دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود . هیچیک در صد تزییف سلطه و اختیار را مخصوصه مسلمه دیگری که از طرف خداوند عنایت گشته است ، بر نخواهد آمد .

هر چند ولی امر رئیس لاینعزل این مجلس فخیم است ، مع هذا نمی تواند بنفسه حتی

بطور موقت واضح قوانین و احکام گردد و یا تصمیمات اکثریت اعضای مجلس را الغاء نماید و لیکن هرگاه تصمیمی را وجدانا " مباین با روح آیات منزله تشخیص دهد باید ابرام و تاکید در تجدید نظر آن نماید .

ولی امر مبین نصوص است و جزبسمت عضو بیت العدل اعظم وضع قانون نتواند و به تنهایی ممنوع از تدوین اساسنامه ایست که برای تمشیت امور و ایفای وظایف بیت عدل لازم است و نمی تواند نفوذ خود را بنحوی اعمال کند که آزادی انتخابات اعضاء بیت العدل اعظم که وظیفه مقدس بیوت عدل خصوصی است ، سلب گردد .

باید بخاطر داشت که حضرت عبدالبهاء در لوحی که به افتخار سه نفر از احبای ایران که در خصوص مرجع اهل بهاء بعد از صعود سئوال نموده بودند ، مدت ها قبل از صعود اخبار به موضوع ولایت امر فرموده اند . قوله الاعلی :

" ان هذا السرّ مضمون فی صدف الامر المختوم کاللوء لوء المکنون و سیلوح انواره و یشرق آثاره و یظهر اسراره "

یاران عزیز الهی ، هر قدر مقام ولایت امر در نظم بدیع حضرت بهاء الله جلیل و وظایف حیاتی و مسئولیتش سنگین و عنایاتی که در حق او در کتاب و صایا نازل گشته موفور باشد ، نباید نسبت به مقامش مبالغه نمود . ولی امر هر چند حائز لیاقت و مصدر امور مهمه باشد ، هرگز نباید به مقام فرید مرکز میثاق ترفیع داده شود و مماثل و شریک حضرت عبدالبهاء ملحوظ گردد تا چه رسد به اینکه مقام مظهریت ظهور به او نسبت داده شود . چنین انحراف شدیدی از اصول موضوعه امرالله کفر محض است . چنانچه قبلا" در فصل مربوط به مقام حضرت عبدالبهاء اشاره گردید ، هرچند میان حضرت عبدالبهاء و مظهر ظهور الهی فاصله باشد ، با فاصله میان مرکز میثاق بهاء و ولایت امر قابل قیاس نیست . فی الحقیقه فاصله میان ولی امر و مرکز میثاق بمراتب از فاصله میان مرکز میثاق و شارع آئین الهی است و ذکر این نکته را وظیفه مبرمه خودمی دانم که هیچ ولی امر الهی نمی تواند ادعا نماید که مثل اعلائی تعالیم حضرت بهاء الله است و یا آنکه مرات صافیه ایست که انوار حضرتش را منعکس می سازد و هرچند ولایت امرالله در ظل صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی و در وظیفه و حق تبیین تعالیم بهائیه شریک و سهیم حضرت عبدالبهاء می باشند ولیکن اساسا " در رتبه حدودات بشریه واقفند و برای ایفای به عهد نمی توانند بهیچ عنوان حقوق و امتیازات و اختیاراتی را که حضرت بهاء الله به فرزند جلیلش عنایت فرموده به خود نسبت دهند .

در پرتو این حقیقت مناجات نمودن بسوی ولی امرالله ، او را رب یا آقا خواندن ، عنوان اقدس به وی دادن ، تبرک از او طلبیدن ، میلادش را جشن گرفتن و یا تجلیل هر

واقعه ای که ارتباط به حیات وی داشته باشد، کل در حکم انحراف از حقایق مقرر است که در کمون آئین نازنین ما مکنون و مندمج است، (۱) و مقام تفسیر و تبیین آیات و کلمات حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء که منحصر "به ولی امرالله عنایت شده مستلز آن نیست که او را دررتبه و مقام آن هیاکل مقدسه قرار دهد، ولی امر می تواند با احراز حق تبیین به ایفای وظائف و مسئولیات خویش پرداخته، در عین حال از حیثرتبه و مقام مادون آن دو نفس بزرگوار و متفاوت با آنان باشد.

ولی امر حاضر و ولایة امر در مستقبل ایام باید با اقوال و اعمال خود کاملاً به حقیقت این اصل مهم آئین نازنین ما شهادت دهند و باروش و سلوک خود حقیقت این اصل را بر اساس متین استوار سازند و برای نسلهای آینده آیات باهراتی مصون از آنها مسمات باشند و من بسهم خود اگر تأمل در قبول این حقیقت مسلم و تردید در اظهار این عقیده راسخ روا دارم، به ثقه و اعتمادی که حضرت عبدالبهاء به این عبد داشته بیوفائی کرده و غصب مقامی نمودم که فقط به آن حضرت عنایت گشته و این خود گناهی است غیر مغفور.

اینک کلمه ای چند در خصوص اساسی که این نظم اداری مبتنی بر آنست و اصلی که برای تمشیت امور مؤسسات مهمه آن لازم است، باید بیان گردد. قیاس این نظم فریاد الهی با نظامات متنوعه ای که عقول بشری در ادوار مختلفه تاریخیه برای اداره مؤسسات خویش ایجاد کرده است کاملاً خطاست. نفس این قیاس به خودی خود می رساند که بسه شأن و منزلت صنع بدیع مؤسس عظیم الشان نبی نبوده ایم و چون در نظر آریم که این نظم بدیع عیناً همان مدنیت الهیه است که شریعت غرای حضرت بهاء الله باید درارض مستقر سازد، البته چنین مقایسه ای را جائز نشماریم. هیچیک از انظمه مختلفه و دائم التغییر بشری چه در گذشته و چه در حال چه شرقی و چه غربی علائم مشخصه ای که بوسیله آن بتوان استحکام اساس و قدرت فضائل مکنونه در آنها را سنجید، ارائه نمی دهند.

۱ - حضرت ولی امرالله در اینباره بفارسی می فرماید، قوله الاحلی: "رجای اخیرم آنست که درمراسلات و مذاکرات احبای الهی جزیه شوقی افندی مرا مخاطب نسازند، فخر و مباها تاین عبد باین نام است و بس، چه که از فم اطهر صادر می گشت و درنظرم ازهرگونه اسم و لقبی عزیزتر و شیرین تر و شریف تر است و همچنین احترامات فائقه و تعظیم و تکریم ازهرقبیل مخالف و مبااین حال و تمنای این عبداست، نظربرادرا نه نمایند و این نظرها در اعمال و اقوال شان نسبت به این فانی! برآز و اظهار نمایند."

حکومات متحده آینده بهائی که این نظم وسیع اداری یگانه حافظ آنست نظرا " و عملا" در تاریخ نظامات سیاسی بشری فرید و وحید است و در تشکیلات ادیان معتبره عالم نیز بینظیر و مثیل ، هیچ نوع از انواع حکومت دیمقراطی یا حکومت مطلقه و استبداد^ی چه سلطنتی و چه جمهوری و یا انظمه اشرافی که حد متوسط بین آن دو محسوب است و حتی اقسام حکومت دینی چه حکومت عبرانی و چه تشکیلات مختلفه کلیسای مسیحی و یا امامت و خلافت در اسلام ، هیچیک نمی تواند مماثل و مطابق نظم اداری بدیعی بشمار آید که به یاد اقتدار مهندس کمالش ترسیم و تنظیم گشته است .

هر چند این نظم اداری نوظهور دارای مزایا و عناصریست که در سه حکومت عرفی مذکور نیز موجود ، ولیکن بهیچوجه مطابق هیچیک از آن حکومت نبوده " از عیوب اصلیه و فطریه آنان عاری و مبرا است " این نظم اداری بهائی حقایق سلیمه ای را که بدون شک در هر یک از انظمه مذکور موجود است بیکدیگر التیام و ارتباط می دهد بدون آنکه حقا^{بق} خدا دادی را که آن نظم جهان آراء مبتنی بر آنست ضایع و مهمل سازد و این امریست که هرگز انظمه فانیه بشری به اجرای آن موفق نگشته است .

نباید بهیچوجه تصور رود که نظم اداری آئین حضرت بهاء الله مبتنی بر اساس دیمقرا^{طی} صرف است زیرا شرط اصلی این نوع حکومت آنست که مسئول ملت باشد و اختیار اتش نیز متکی بر اراده ملت و این شرط در این امر اعظم موجود نیست . باید بخاطر داشت که السواح حضرت بهاء الله بالصراحه حاکی از آنست که اعضای بیت العدل اعظم در تمشیت امورا اداری امر الله و وضع قوانین لازمه مکمله کتاب اقدس مسئول منتخبین خود نمی باشند و نباید تحت تأثیر احساسات و آراء عمومیه و حتی عقاید جمهور مؤمنین و مؤمنات و یا نفوسی که مستقیما " ایشان را انتخاب نموده اند ، قرار گیرند ، بلکه باید همواره در حال توجه و ابتهال به حکم وجدان خویش رفتار نمایند و برایشان فرض است که به اوضاع و احوال جار^{یه} هیئت جامعه آشنائی کامل حاصل نمایند . و به قضایای مرجوعه ، بدون شائبه غرض رسیدگی کنند ولی حق نهائی اخذ تصمیم را برای خویش محفوظ دارند . کلمه مبارکه (انه یلهمهم ما یشاء) اطمینان صریح حضرت بهاء الله به این نفوس است و بنا بر این فقط این نفوس مهابط هدایت و الهامات الهیه اند نه هیئت منتخبین که رأسا " و یا بطور غیر مستقیم ایشان را انتخاب می نمایند و این الهام همانا روح حیات و حافظ نهائی این ظهور اعظم است . بعلاوه نفسی که در این ظهور اعظم بر حسب اصل توارث برکرسی ولایت جالس است ، خود مبین کلمه الله است و بالنتیجه بر حسب سلطه واقعی که به وی تفویض گشته مانند هیچیک از سلاطینی که در حکومت مشروطه معموله قدرتی نداشته ، جز مقام اسمی ندارند ، نیست و نیز نمی توان نظم بدیعی حضرت بهاء الله را نظیر حکومت استبدادی مطلق دانست و یا

آن را مقتبس از یکی از حکومت مطلق العنان دینیه مانند حکومت پاپ و یا امامت و
 نظائر آن فرض نمود و برهان قاطع براین امر آنکه حق مسلم تشریح احکام غیر منصوصه
 بهائی فقط مختص به بیت العدل اعظم است که اعضای آن نمایندگان منتخب پیروان حضر
 بهاء الله اند و این حق مقدس را ولی امر و مؤسسات دیگر نمی توانند غصب نمایند و
 یا در آن دخل و تصرف کنند. الغاء حرفه قسیسی و شعائر آن از قبیل غسل تعمید و
 عشاء ربانی و اقرار به معاصی، عدم سلطه طبقه علماء و روحانیون و فقدان امتیازات
 و مفساد و تمایلات بیوروکراسی این طبقه، دستور طرز انتخابات بیوت عدل محلی و ملی
 و بین المللی به تصویب عمومی، شواهد دیگری بر کیفیت غیر مستبده، نظم بدیع بهائی
 و مشابهت آن به ترتیبات ذیمقراطی در اداره امور است، و نیز این نظم را که به
 اسم حضرت بهاء الله مرتبط است نباید با هیچیک از حکومت اشرافی صرف مماثل دانست
 زیرا از طرفی مبتنی بر اصل توارث است و وظیفه مقدسه تبیین آیات را به ولی امر
 تفویض کرده و از طرف دیگر هیئت عالییه مقننه آن به انتخاب مستقیم و آزاد بوسیله
 جمهور مؤمنین و مؤمنات معین می گردد.

هر چند نمی توان گفت که این نظم بدیع از انظمه معروفه عالم مقتبس، ولیکن
 حاوی عناصر سلیمه ایست که در هر یک از این نظامات مختلفه موجود و در این نظم بایک -
 دیگر امتزاج و التیام یافته است. اختیارات موروثی ولی امر الله و وظائف حیاتییه
 و ضرورییه بیت العدل اعظم و مقررات مخصوصه انتخابات ذیمقراطی که بوسیله وکلای
 جامعه کل حاکی از این حقیقت است که این نظم بدیع الهی که هرگز قابل قیاس با
 هیچیک از انواع حکومت مذکور در آثار ارسطو نیست، در اثر انکاء بر حقایق روحانییه
 خویش حائز و ملائم عناصر صالحه ایست که در هر یک از انظمه آن موجود است. این نظم
 بدیع چون از عیوب فطریه مسلمه، انظمه مذکوره مطلقاً "عاری و مبرا است، هر قدر
 فروعش امتداد یابد و دامنه اش وسعت گیرد، بمرور اعصار و دهور به حکومت استبداد و
 تسلط اعیان و شرور ناطقین و خطبا که عاقبت کلییه تأسیسات سیاسی ناقصه بشری است،
 منجر نگردد و از فساد آنان مصون ماند.

یاران عزیز، هر قدر اصل و مبدا این بنیان رصین نظم اداری مهم و وجوه ممیزه اش
 بی مثیل باشد، وقایعی که مبشر ظهورش بوده و مرحله اولیه پیشرفتش را اعلام داشته
 از حیث اهمیت مقام کمتری را دارا نیست. چقدر شگرف و عبرت انگیز است که نظم اداری
 امرالله متدرجا "مستمر" تحکیم یافته مراحل اولیه نشو و نما می خود را می پیماید، در
 حالیکه معاهد عتیقه مذهبی و عرفی عصر حاضر در اثر قوای مخربه ای که بر آنها مهاجم
 است، رو به تجزیه و تحلیل می رود.

قوه حیاتیه ای که بوجود اتم از مؤسسات اصلیه این نظم اعظم دائم الاتساع الهی ظاهر می شود ، موانعی را که شها مت و عزم راسخ بانیان نظم داری بر آن فائق آمده اند ، شعله فروزان انجذاب که به کمال شدت در قلوب مبلغین سیار مشتعل است ، مدارج جان فشانی و انقطاعی که مؤسسين نظم بدیع می پیمایند ، وسعت نظر و امید واثق و روح نشاط انگیز و آسایش خاطر و پاکی عمل و انضباط کامل و تعاضد و یگانگی خلل ناپذیری که از مدافعین دلیرش به ظهور می رسد ، توانائی و لیاقتی که روح نباض در جذب عناصر مختلفه و تطهیر آنها از انواع تعصبات و امتزاجشان در قالب خود نشان داده است ، کل آیات قدرتی است که جامعه مایوس و متزلزل کنونی عالم هرگز نمی تواند آنرا انکار نماید .

حال ظهورات باهره روح قدسی الهی را که به هیکل امر حضرت بهاء الله نفعه حیات می بخشد ، با الم و فغان و خودخواهی و جهالت و تعصب و مرارت و نفاق و شرارت دنیائی رنجور و پیر آشوب قیاس نمائید . خوف و هراس قاثدین ، عالم را معذب ساخته و اقدامات سیاسیون حیرت زده و بی بصر را عقیم و بلا اثر گذاشته است . ملل عالم با یکدیگر در آنها ضغینه و عدوان و ازهم خائف و هراسان ، مطامحشان عاری از حقیقت و اهدافشان در نهایت سخافت ، فی الحقیقه هرج و مرج و فساد و عدم ایمان اساس تمدن متزعزع عالم را بصوب فنا و نیستی سوق می دهد .

آیا این فساد مستمر که خفیا " در جمیع شعب و شئون افکار و اعمال بشری رخنه می کند ، با ارتفاع ید قدرت حضرت بهاء الله قرین نیست ؟ آیا حوادث خطیره بیست سال اخیر که سبب انقلاب اقالیم ارض گشته ، در حالیکه سكرات موت تمدنی را اعلام می نماید که در شرف تلاشی و اضمحلال است ، دلالت بر درد زه نظم بدیع ندارد که سفینه نجات بشری است و ناگزیر بر خرابه های عالم مستقر خواهد شد ؟

بلای مبرم الهی ، سقوط سلطنتها و امپراطوری های پر شوکت و احتشام در قاره اروپا مطابقاً " لما صدر من القلم الالهی ، هبوط مداوم علمای تشیع در موطن اصلی جمال قدم ، انقراض سلسله قاجاریه خصم دیرین امرا لله ، انهدام سلطنت و خلافت دورکن رکیین اهل تسنن و شباهت شگفت انگیز آن با خرابی اورشلیم در اواخر قرن اول میلاد ، سیل قوانین عرفی که به معاهد دینییه مصر متهاجم است و سبب تضعیف وفای متمسکین به شعائر اسلامی گشته ، تذلیل و تحقیر اقوی کنائس مسیحیت در روسیه و اروپای غربی و امریکای مرکزی ، نشر عقاید و افکار سقیمه که هادم و مخرب اساس و بنیان انظمه بظاهر متین سیاسی و اجتماعی بشری است ، علائم نزول بلای ناگهانی که از جمیع جهات اساس تمدن کنونی را تهدید می نماید و بنحوی حیرت بخش سقوط امپراطوری روم غربی را بخاطر می آورد ، کل شهادت می دهد که این انقلاب بر اثر ولادت نظم اعظم آئین حضرت بهاء الله در عالم بوجود آمده است

و هر قدر مضامین مکنونه این نظم دایم الاتساع الهی مکشوف تر گردد و شاخ و برگ آن کره ارض را بیشتر فراگیرد، بر شدت و وسعت این انقلاب خواهد افزود.

در خاتمه مذکور می گردد که عصر تکوین دور بهائی به ارتفاع نظم اداری مخصص گشته و این نظم بمثابه صدفی برای حفظ و صیانت گوهر گرانبهای امرالله است و بمرور زمان واضح و مبرهن خواهد شد که این نظم عامل اصلی است که این شرع انور را به مرحله نهائی وارد خواهد کرد.

مادام که این نظم هنوز در مرحله طفولیت است زندهار که نفسی در ادراک کیفیتش به خطا رود و یا از اهمیتش بکاهد و یا مقصدش را دیگرگون جلوه دهد. صخره ای که این نظم اداری بر آن استوار است مشیت ثابت الهیه برای عالم انسانی در عصر حاضر است. منبع الهامش نفس حضرت بهاء الله است حامی و مدافعش جنود مجنده ملکوت ابهی است، ظهور و نشو و نماش نتیجه اهراق دم لاقل بیست هزار شهید است که حیات خویش را در این سبیل نثار نموده اند، محوری که مؤساتش حول آن طائف مضامین محکمه الواح و صایای حضرت عبدالبهاء است، مبادی اساسیه اش حقایقی است که مبین مصون از خطای آیات الهی در خطابات مبارکه خویش در غرب بیان فرموده، احکامی که برای اداره اش وضع گردیده و وظائفش را تحدید می نماید صریحا " در کتاب اقدس نازل شده است، مقری که مشروعات روحانیه و خیریه و اداریه اش حول آن مجتمع می باشد مشرق الاذکار و متفرعات آن است، ارکانی که سلطه اش مستظهر بدانست دو مؤسسه ولایت امرالله و بیت عدل اعظم است، مقصد اصلی و ضمنی که محرک آنست استقرار نظم بدیع جهان آراشی است که شالوده آن را حضرت بهاء الله بنیان نهاده، روشی که بکار می رود و موازینی را که القا می نماید آن را نه به شرق متمایل می سازد نه به غرب نه به یهود و نه به غیر آن نه به فقیرونه به غنی نه به سفید و نه به سیاه، شعارش وحدت عالم انسانی، علمش صلح اعظم، سرانجامش طول دوره ذهبی هزار ساله یعنی بومی که سلطنتهای عالم به سلطنت الهیه که سلطنت حضرت بهاء الله است، مبدل گردد.

بیست و پنج سال در ظل ولایت ام‌الله

بقلم حضرت‌امه البهاء روحیه خانم

بیست و پنج سال پیش عالم بهائی دچار یک زلزله عظیمی شد حضرت عبدالبهاء مرکز میثاق، سرالله الاکرم، بغتتا "صعود فرمود دوستان و پیروان خود را که منتظر این فاجعه هولناک نبودند مبهوت و حیران برجای گذاشت. بهائیان شرق و غرب که در چنین حیرت و حسرت گرفتار شده بودند، سعی نمودند افکار و قوای خود را در نقطه واحده تمرکز دهند. قلبا "باین امر جدید و مظهر ظهور الهی و نظم جهان آرایش که ولید شریعت‌ایه بود، ایمان داشتیم و می‌دانستیم که وظایف عظیمه در پیش داریم ولی احساس می‌کردیم که کاملاً بیکه و تنها باقی مانده ایم و فشار مسئولیت سنگین وظایف آینده را بر قلوب غمزده خود مشاهده می‌کردیم. چوپان ما کجاست؟ آهنگ آن محبوب یکتا که از نفس مظهر حق سرچشمه گرفته بود و گوش ما با آن بس‌آشنائی داشت یکباره خاموش شد. آری، تعالیم برجای بود. آن میراث مرغوب چون آزمایشگاهی کاملاً مجهز و از برای هر منظور آماده بود. ولی کجاست آن کیمیاگری که بتواند فلزات پست را بطلا تبدیل کند کجاست آن شنونده ای که بسئالات ما جواب گوید؟ و ما را در استفاده از این آزمایشگاه راهنما باشد؟ در این هنگام بود که الواح وصایای حضرت مولی‌الوری تلاوت شد و بایک احساس خوشی همگی آگاه شدیم که گرچه امواج بلا و فراق از هر طرف ما را احاطه کرده است، ولی حضرت عبدالبهاء ما را بخود وانگذاشته بود. فلک پیمان خویش را بما اعطاء فرموده بود تا بتوانیم در آن بسلام آمین وارد شویم.

چه ممنون و شاکر بودیم هنگامیکه مشاهده نمودیم آن طلعت جوان از خلال آن الواح بغتتا "پدیدار شده، حضرت عبدالبهاء این عطیه کبری را بشمره دو سدره منتهی و گوهر دو بحر متلاطم اسنی ملقب فرموده این خلق بدیع بخلعت بینظیر مقام موروثی تبییی— کلمات الهی و صایت آئین ربانی و ریاست بدون عزل بیت عدل عمومی مخلع گشته الواح وصایای حضرت عبدالبهاء از چندین جهت مکمل و متمم کتاب مستطاب اقدس است که در این الواح مبارکه طریقه انتخاب و وظایف و اختیارات و حاکمیت بیت عدل عمومی مشروحا "بیان شده و نیز موضوع شایان توجهی که در گنجینه سنن و احکام الهی مسکوت مانده بود، و توجه هر صاحب‌نظر بصیر را فوراً "بخود جلب می‌نمود، تصریح و تبیین گشته است. حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس یک نوع مالیات اختیاری بدیعی وضع فرموده اند و اهمیت این عایدات را با تسمیه آن با اسم حقوق الله کاملاً آشکار می‌فرمایند. ولی ابداً "تصریح نمی‌فرمایند که عایدات مذکور به که راجع است، و چون عایدات بیت عدل عمومی صریحاً "

بیان شده و حقوق الله در ضمن آن محسوب نگردیده ، البته این اشکال پیش می آید که حقوق الله به که راجع است . الواح وصایای حضرت عبدالبهاء این معمارا حل و این مجهول صریح را که حضرت بهاء الله ناتمام گذاشتند ، معلوم و روشن می فرماید . موضوع جالب توجه دیگر آنکه ، حضرت عبدالبهاء از مدت ها قبل از صعود مبارکشان نه تنها مندرجات الواح وصایا را در نظر داشتند ، بلکه عملاً نیز بتدوین آن اقدام فرمودند . الواح وصایا مشتمل بر سه قسمت است که هر یک از قسمتهای آن در زمانی نازل شده و سه مهر و امضای مبارک مزین گشته است . حضرت شوقی افندی هنگامی که جوانی بیش نبودند ، یعنی در دوران سخت و خطرناک زندگانی حضرت عبدالبهاء در مدینه عکا ، به سمت وصی حضرت عبدالبهاء در طی قسمت اول وصیت مبارک معین شده بودند . این تصمیم مبارک بعدها در قسمت سوم وصایای مبارکه با لحتی شدیدتر تایید و تاکید گشته ، بعلاوه حضرت عبدالبهاء در دوره طفولیت اولین ولی امر الهی آن لوح عظیم را در موضوع ولادت طفلی که در آتیه بانجام امور عظیمه نائل خواهد آمد ، نازل فرمودند . هنگامی که منشی مبارک دکتر یونس خان سؤال می کند آیا مقصود طفل واقعی جسمانی بود و یا رمزی روحانی است ، حضرت عبدالبهاء می فرمایند که منظور طفل حقیقی است که ارتفاع امر الهی به دست او خواهد بود . بنا بر این ملاحظه می کنیم که با صعود حضرت عبدالبهاء ، بیست و پنج سال پیش جامعه اهل بهاء بی سرپرست نماند . نظر مبارک حضرت عبدالبهاء نسبت به مقام ولایت امر که ولید نقشه حضرت بهاء الله است ، در همان ایام اولیه لباس عمل پوشید . ولی در اثر وقایع تلخی که در مدت شصت سال بر آن حضرت وارد آمده بود ، این رازگرانیهای خود را با کمال دقت حتی از وصی مورد نظر خویش مکثوم داشتند و فقط پس از صعود مبارکشان بود که ما بتدریج بعظمت و کمال نظم الهی که در این کور اعظم باهل عالم اعطاء شده ، بی بردیم . این نظم نظمی است که از طرفی ید غیبی الهی بصورت مقام ولایت امر کسه مستقیماً " منسوب به دو شارع مقدس این آئین است ، همواره از آن حفاظت و صیانت می نماید و از طرف دیگر در ظل همین نظم ربانی است که مقام انسان برتبه عظمی نائل آمده چه که اعضای بیت عدل عمومی که با انتخاب آزاد تعیین می گردند ، در مقام هیئت و اجتماع موعود بشمول الهامات الهیه و صیانت ربانیه در مذاکرات و تصمیمات خود می باشند .

بگذار انظار خود را بگذشته اندازیم و بیاد آریم هنگامی را که حضرت شوقی افندی برای اولین دفعه زمام ولایت را بدست گرفتند و در نظر خود مجسم کنیم که ما چه بودیم و او چه بود . آنانی که صعود حضرت عبدالبهاء را بخاطر دارند و آن لطمه شدید و حزن و اندوه طاقت فرسا را بیاد می آورند ، بهتر می توانند احساسات مبارک را دریابند . در آن هنگام پیش از بیست و چهار بهار از عمر جوانشان نمی گذشت و در دانشکده آکسفورد در انگلستان

تحصیل می نمودند و فکر مبارکشان این بود که هم در انجام وظیفه مترجم در آستان مبارک حضرت عبدالبهاء و هم در ترجمه برخی از آثار مبارکه بزیان انگلیزی مهارت بیشتری حاصل نمایند. در این حین بود که خبر وحشت‌ناک صعود مبارک بایشان رسید با قلبی اندوهناک و ضعفی منبعاث از رنج و الم بطوریکه مستلزم کمک هیکل مبارک در پیاده شدن از ترن بود وارد حیفا شدند. دفعتاً "ضربه ای دیگر با اثراتی شدیدتر برایشان وارد آمد. الواح وصایای جد مجید از برای ایشان تلاوت شد و برای اولین دفعه در زندگانی خود بر راز عظیم و مکتوم حضرت مولی الوری واقف شدند که ایشان شوقی افندی نوه محبوب آن جد بزرگوار وصی آن حضرت و اولین ولی امر الهی تعیین شده اند. در تحت فشار این بار سنگین و ضربه هولناک به عالم بهائی رو آوردند. جامعه‌ای مشاهده فرمودند که از لحاظ تنوع و اختلاف از حالت وحدت و یک رنگی خارج و دارای نظم و ترتیبی ناموزون و متفرق در صفحات مختلفه جهان و مقیم در قریب بیست مملکت از ممالک دنیا است. گرچه این نفوس ثابت و مخلص و جانفشان بودند، ولی گوئی هنوز در خرابه های ادیان سابقه خویش بسر می بردند. هنوز بهائی مسیحی و بهائی کلیمی و بهائی مسلمان دیده می شد. گرچه همه با مر بهائی مؤمن بودند، ولی هنوز تماس و ارتباط نزدیک با تشکیلات دینی سابق خویش داشتند. مانند میوه درخت گرجه از پیوند جدید بودند، ولی هنوز بر شاخه های قدیمی قرار داشتند. مصداق این گفتار هم در شرق و هم در غرب مشاهده می شد. هنگام صعود حضرت عبدالبهاء، امر الهی بدین پایه رسیده بود.

و اما ما جوانی را مشاهده می کردیم بیست و چهار ساله که بر رأس امر الهی قرار گرفته بود. برخی از یاران بر آن شده بودند که هیکل مبارکش را راهنما باشند. ولی دیری نگذشت که نه تنها بمقام اولین ولی امر الهی، بلکه بطور کلی بمقام ولایت پی برده ایم. فوراً "در یافتیم که احاطه حضرت شوقی افندی امع از آن است که بتوان با آن برابری نمود. نه منسوبان و نه یاران قدیم و جدید و نه محبین و مغرضین، قادر نبودند نظریات مبارک را تغییر داده، یا در تصمیماتشان اعمال نفوذ نمایند. فوراً "تشخیص دادیم که نه فقط مؤید بالهامات الهیه اند، بلکه حق جل جلاله بایشان قوای اعطاء فرموده که بوسیله آن، نظم اداری تأسیس و یاران در مساعی مشترکه متحد و اقدامات عمومی آنان تنظیم خواهد شد. حضرت شوقی افندی در تشکیل نظامات و تحلیل معضلات و تجزیه هر مسئله به جزئیات آن و پیشنهاد راه حل متین و صحیح بلافاصله نبوغی از خود بظهور رسانیدند و با جدیتی کامل و عزمی راسخ و همتی بی پایان، اقدام فرمودند. و نفوسیکه بفیض لقا مشرف می شدند، مفتون صراحت و صمیمیت و ملاحظت و تواضع حقیقی و مهر و جذبه فطری مبارک می شدند. چرخ های امر که موقتاً "نظر به صعود حضرت عبدالبهاء

دچار وقفه شده بود، بار دیگر با سرعتی بی سابقه بکار افتاد. پدر صبور و غفور ما که بیش از آنچه تصور می کردیم، حضرتش را خسته و شاید آزرده نموده بودیم، درگذشت و یک برادر حقیقی در عنفوان جوانی و با تصمیمی راسخ " که وقت آنست کل باجرای وظایف مفروضه حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء قیام نمائیم و آنی از دست ندهیم. "، جایگزین آن پدر بزرگوار گردید. تلاوت الواح وصایا و استقرار مقام ولایت دوره جدیدی در تحولات امر الهی بنحوی بسط طبیعی و اسلوبی اساسی، آغاز نمود. بهترین نمونه این تحول یکی از اولین اقدامات حضرت ولی امرالله بود که از رفتن مسجد جامع کاملاً خودداری نمودند. در صورتی که حضرت عبدالبهاء تا آخرین جمعه حیات مبارکشان، در مسجد جامع، حضور بهم می رساندند. گمان اهالی محل راجع به بدعت آئین بهائی با کمال صراحت روشن شد. این اقدام شاید از برای حضرت عبدالبهاء غیر مقدور بود که روابط بسط صمیمی و قدیمی خود را با جامعه اعراب و مخصوصاً " با مسلمین فلسطین قطع و فسخ نمایند. این روابط حتی در دوره ای که ذکر نام بهائی ممنوع و حرام بود، ادامه داشت. ولی حضرت ولی امرالله بیدرنگ این عمل را انجام دادند و بهائیان را نیز در ممالک مختلفه دنیا، تشویق بهمین عمل فرمودند.

حضرت ولی امرالله پس از صعود حضرت عبدالبهاء از برای خود دو وظیفه معین فرمود یکی آنکه بهائیان را در سراسر عالم تشویق فرمایند تا اقدامات خود را با در نظر گرفتن بیانات حضرت بهاء الله و تبیینات حضرت عبدالبهاء از مجرای تشکیلات اداری صورت دهند. وظیفه دیگر، رهائی تدریجی آنان، از تعلقات عالم قدیم بود. تا هم از انتساب به تشکیلات دینی سابق و هم از پیروی اصول عتیقه فاسده و متداوله در جامعه ممالک مختلفه که منافی با مبادی بدیعه اخلاقی حضرت بهاء الله برای این عصر است، خودداری نمایند. حضرت ولی امرالله در بین سالهای ۱۹۲۳ و ۱۹۳۴ بکمک و معاضدت خالصانه بهائیان در ممالک مختلفه، موفق به تأسیس شش محفل روحانی ملی با تشکیلات تابعه آنها از قبیل صندوق های خیریه و لجنه ها شدند. در صورتی که در دوره حضرت عبدالبهاء این تشکیلات ملی فقط در ایران و امریکا برقرار بود و وضعیت آنها بیشتر جنبه هیئت های مرکزی داشت که امور ملی امرالله را اداره می نمودند. و این هیئت در امریکا انجمن شور سالیانه را تشکیل می داد و اقدامات اولیه را برای تأسیس مشرق الاذکار اتخاذ نمود. ولی حال محافل روحانی ملی جدید در بریتانیا، آلمان، عراق، مصر، سودان، استرالیا و نیوزلند براساس متین تأسیس یافت و در ظل قیادت و تربیت مستمر و مستقیم حضرت ولی امرالله با اداره امور جامعه های دایم الاتساع خود، با کمال جدیت و همست قیام نمودند.

حضرت ولی امرالله، دارای قوهء ممیزهء امر الهی هستند. و این قوه را بحد اعلی و قطعاً "بموهبت الهی احراز نموده اند. آنچه بتشخیص ما کاملاً امری ناچیز و بسی اهمیت است، ممکن است در نظر مبارک محور تصمیمات عظیمه باشد. حضرت ولی امرالله، میزان امر الهی هستند. قدر و منزلت مسائل و احتیاجات و وظائف و موقعیت را معین و ترتیب و تنظیم می فرمایند و امر الهی را، در جمیع اقطار عالم باقتضای ضعف و نقص افراد احباء، بر محور مطلوب می گردانند.

حضرت ولی امرالله از آغاز دورهء ولایت خویش باب مکاتبه را با محفل روحانی ملی بهائیان آمریکا باز نمودند و طریقهء ادارهء امور امریه را، در آن اقلیم توضیح فرمودند. توابع مفیدهء مبارکهء ایشان، بعدها جمع آوری و بنام کتاب "تشکیلات بهائی" منتشر گردید و بمنزلهء دستور العمل هیئت های اداری امری، در شرق و غرب عالم بهائی قرار گرفت. حضرت ولی امرالله در ضمن اینکه ما را بچگونگی قیام بخدمت بصورت هیئت و اجتماع و در مقام فردی بمثابهء عضو جامعه بهائی آشنا می فرمودند، افکارمان را نیز تربیت می فرمودند تا مفهوم جدیدی از مقام آئین الهی که مستند بر بیانات حضرت اعلی و حضرت بهاء الله و مخصوصاً "الواح مخصوصهء حضرت عبدالبهاء خطاب به احبای امریکا بود درک نمائیم. و آن مفهوم این بود که ایران در قرن نوزدهم مهد این آئین جهانی بود و حال آمریکای شمالی مهد نظم اداری است که بنوبهء خود مبشر مدنیت و حکومت بدیع جهان آراء خواهد گشت. حضرت ولی امرالله در نهایت بردباری و باکوشی خستگی ناپذیر در طی این سالیان دراز، زحمت کشیده اند که این نظم اداری تأسیس شود و جامعهء بهائیان آمریکا را نمونه اعظم قراردادده اند، تا بهائیان در سائر ممالک به آنان تأسی کنند. در ضمن اینکه یاران آمریکا سعی و کوشش می نمودند که بمعنی حقیقی زندگی در ظل نظم الهی که دارای سنن و مقرراتی است که باید عملاً اجراء شود، نه اینکه صرفاً "زیارت و مطالعه گردد، پی برند و امیال و طرز رفتار خود را حقیقتاً "مطیع و منقاد دلالت هیئت های نمایند که بحکم اکثریت به ادارهء امور خود می پردازند. در ضمن این احوال حضرت ولی امرالله منظور نهائی خود را از تاکید اکید نسبت به لزوم اطاعت از مبادی اداری امر الهی اقل من آنی از نظر دور نداشتند و منظور مبارک همواره ایجاد دستگاہی بود که بتواند باکمال اقتداریکی از وظایف اولیهء هر فرد بهائی، یعنی تبلیغ امرالله را اجراء نماید...

هیچ شرحی در تقدیر از خدمات برجستهء بهائیان عالم در این مدت کامل نخواهد بود. مگر آنکه ذکری از آنچه حضرت ولی امرالله به تنهائی در مرکز جهانی الهی در فلسطین انجام داده اند، سخن به میان آید. گذشته از مکاتبهء مستمر و بیشمار مبارک نه فقط

با محافل روحانی ملی و محلی بلکه با جمعیت‌های بهائی و افراد یاران بغیر از تلگرافات و دستورات مبارکه خطاب به بهائیان در نقاط مختلفه جهان بجز کتبی که تحریر فرموده و آثاریکه باکمال زحمت و ظرافت ترجمه فرموده اند، حضرت ولی امرالله بسه بهائیان شرق و غرب در جمیع اقدامات مهم یاران مساعدت مالی نیز ابراز نموده اند، خواه در دستگیری از مهاجرین روسیه ویا از ملهوفین و مظلومین ایران، خواه در بنای حظائر قدس ملی ویا طبع و انتشار ترجمه های مختلف کتاب اسلمنت، خواه در مساعدت کریمانه بساختمان مشرق الاذکار امریکا و یا کمک به مهاجرین نقشه های هفت ساله ویا در ساختمان مراقد خادمین برجسته امرالله در جمیع این موارد، دست فتوت مبارک قبل از همه باز بوده و کمک مؤثر اعطاء می فرمودند. در حیفا و عکا، حضرت ولی امرالله نه فقط موفق شدند که بقاع مبارکه و مسافرخانه ها و اراضی مربوطه را از عوارض دولتی و شهرداری معاف نمایند، بلکه دائره این موقوفات را وسعت داده، بطوری که در وادی اردن نیز املاکی بتصرف امر در آمد و قیمت جمیع این موقوفات را امروز به دو - میلیون و نیم دلار تخمین می زنند. و نیز همه ساله بر وسعت باغهای حول مقام اعلی در کوه کرمل افزوده می شود. همچنین حضرت ولی امرالله باستقرار رمن مطهر حضرت ورقه علیا در یکی از عالی ترین نواحی شهر حیفا از لحاظ سکنی موفق شدند و پس از چندی به انتقال دو رمن اطهر مادر و برادرشان به همان بقعه نورا که مرقد حرم مبارک حضرت عبدالبهاء نیز در آن مکان مستقر است، ناثل گشتند و باغ مجلل و بی نظیری در حول آن چهار مقام مرعری که محل استقرار رمن های اعضای خانواده مبارک حضرت عبدالبهاء است، ایجاد فرمودند. این دو باغ که در دو طرف یکی از خیابانهای معروف شهر حیفا قرار گرفته، از برای تماشای عموم آزاد است. و در کلیه کتب جدید راهنمایی فلسطین به عنوان امکنه ای که مسافرین ارض مقدس نباید از آن صرف نظر نمایند، مذکور شده، ابتیاع قصر مبارک بهجی، دفع تحریکات مستمره ناقضین، تأسیس دو محفظه آثار مملو از اشیاء نفیسه متبرکه تاریخیه که بوسیله هیکل مبارک جمع آوری و بازرسی و تسمیه و تنظیم می شود، تأسیس گنجینه کتب و مطبوعات امری که مشتمل بر ۵۰۰ جلد کتاب هم در کتابخانه حیفا و هم در کتابخانه عکا است. اینها فقط مختصری از اقدامات برجسته در مرکز بین المللی امر الهی است که زائرین و مسافرین از هر خاک و بوم بسوی آن مسافرت می نمایند.

چون کلیه این امور را در نظر گیریم، بحقیقت واهمیت وقایعی که از حین صعود حضرت عبدالبهاء تا کنون در ظل حمایت مستقیم حضرت شوقی افندی بوقوع پیوسته، تدریجا پی خواهیم برد. این آئین نازنین که در زمانی گمنامی بیش نبود و فقط چند تن از

مستشرقین از وجود آن اطلاع داشتند، در سایه هدایت و استقامت حضرت ولی امرالله، هم اکنون افتخار دارد که در صف پیروان خالص و غیور خود ملکه فاضله مشهوره (مری) رومانیا قرار دارد و شهادت نفوس ممتازه معروفه غیر بهائی در تقریر از مؤسسیین و تعالیم و اقدامات آن بالغ بر یک جلد کتاب گردیده و در این مدت بیست و پنج سال توانسته است قوه خلاقه خود را به ثبوت رسانیده، היאکل قدسیه و شهداء و متفنین ممتاز در تشکیلات امری و حتی ایادی امرالله بوجود آرد و شهرت آن در عالم غرب بحدی انتشار یافته که یکی از دول بزرگ جهان چون دولت آلمان قبل از جنگ وجود و بقای آن را ممنوع و پیروانش را تعقیب و زجر نمود و بالاخره شکایت بهائیان از شیعیان بغداد در توبیت بیت اعظم در کمیسیون مخصوص جامعه ملل مورد مذاکره واقع و قرار برله بهائیان صادر گردیده و شخص ملک فیصل و وزراء او در این خصوص مفصلاً مذاکره ولی موضوع را با وعده های بی اساس خود خاتمه دادند.

جمع این امور پس از موارد دیگر که ذکر آن در این مختصر نگنجد، گواهی می دهد که امر الهی با صعود حضرت عبدالبهاء دچار وقفه و رکود نگشت، بلکه به پیشرفت خود در صراط مستقیم که حضرت مولی الوری در الواح وصایا مقرر فرموده بودند، ادامه داد. و حتی به نحوی بیسابقه ترقی و تعالی حاصل کرد. تصورات ما راجع به نظم اعظم جهان آرا هنگام صعود حضرت عبدالبهاء، بس ساده و نابالغ بود. برخی از بهائیان معمر و خدوم با مهر و شفقتی پدرانیه، راجع به لزوم تشکیل فوری بیت عدل عمومی حضرت ولی امرالله را متذکر می داشتند، نمی دانستند که مبنای این مشروع جلیل بر چه استوار است و لسی حضرت ولی امرالله بر تمهیدات زیاد و دقیقیکه می بایست قبلاً ترتیب داده شود، کاملاً واقف بودند. نظم بدیعی که در احکام حضرت بهاء الله مقرر گشته، چون قصر مشیداست و بیت عدل عمومی چون گنبد و اوج و اکلیل و رمز وحدت آن. آیا ممکن بود این گنبد را در فضا معلق گذاشت؟ ابتدا می بایست اساس ریخته شود. و این اساس عبارت از محافل روحانیه و یا واحدهای اولیه ای است که باید خود مرکب از عناصر پرورش یافته کامله باشد. و اما افراد یاران یعنی سلولهای کوچک جامعه باید بدواً درک وظایف خود نموده وحدتی کامل و متین تأسیس نمایند تا بتوانند محافل روحانی در سراسر کشور خود تشکیل دهند و بدینوسیله بنیادی نهند که بر آن قواثم و ارکانی چون محافل ملی در ظل گنبد این قصر مشید استوار گردد.

اگر بیگانه ای سؤال نماید که صرف نظر از اتساع و انتظام دائره اقدامات بهائیان و نفوذ و سرایت آن در ممالک و طبقات جدیده آیا حقیقت باطن و صفای معنوی امرالهسی چگونه بوده؟

آیا پیشرفت و ترقی ظاهری ، بنیان وحدت و یگانگی روحانی پیروان امر حضرت بهاء الله را دچار ضعف و سستی نموده است ؟ در مقابل این سؤال می توانیم پس از تجربیات بیست و پنجساله خود ، با کمال صداقت و از همیم قلب بگوئیم لا والله . مقام ولایت امر که به وسیله حضرت عبدالبهاء جزء لاینفک امر الهی مقرر گردیده . بطوریکه حتی ارباب استقامت و نبوغ هرگز قادر به تفکیک آن نبوده و نخواهند بود . صفوف پیروان امر الهی را از هر گونه جدائی و انشقاق با کمال قدرت و بتقدیر الهی محفوظ و مصون فرمود و این گفتار صرفاً " ناشی از ایمان و اطمینان روحانی نبوده ، بلکه تجربه نیز آن را به شیوه رسانیده است . حرص ، حسد ، بغض و آزار و بالجمله جمیع قوای شیطانی نفسانی که بشهادت تاریخ در قبال هر مصلح و پیغمبر و زمامدار روشنفکری بنهایت بیرحمی ایستادگی نموده و در این دوره در قلب مخالفین چند رسوخ نموده و با کمال شدت هم به شخص حضرت ولی امرالله وهم به هیکل زیبای امر الهی حمله کرده است .

ده
همانطوریکه انتظار می رفت ، اولین حمله از جانب ناقضین بود . محمد علی که بیهوشی می کوشید تا شاید حضرت عبدالبهاء را بد نام نماید و احباء را دلسرد کند و تحریف آثار مبارکه حضرت بهاء الله را نماید و حتی بیش از یکبار قصد جان مولای حنون را نموده بود ، بار دیگر با دیدن جوانی بی دفاع بر رأس امر آرزوهای خفته او بیدار شد . حمله او بیش از آنچه اضطراب آور بود ، مسخره آمیز می نمود . چه که یکی از مریدان خود را بر آن داشت که روضه مقدس پدر بزرگوارش حضرت بهاء الله را غصب و کلید آنرا از مستحفظ مخصوص بر بآید . گرچه این واقعه تشویش آور بود ، ولی دعوی جان نشین حضرت عبدالبهاء چنان در انظار اولیای امور انگلیس روشن و هویدا بود که در اندک زمانی مجبور به استرداد کلید به نمایند ، حضرت ولی امرالله شد . می توان گفت که این اولین مبارزه با حضرت ولی امرالله بود . و بهائیان عالم و نفوسی که در محل شاهد این قضا یا بودند ، از دوست و دشمن دانستند که امر الهی صاحب مدافعی قابل و هوشیار است .

در مصر ارمنی متکبری که دیده اش باز و طمع محتجب بود ، علم ناچیز خود را بر مخالفت این امر نازنین برافراشت . وعده ای از هموطنان بهائشی خویش و نفوس کم تجربه را از جامعه ای که در آن زمان هنوز در مراحل اولیه نشو و ارتقاء بود ، منفصل نمود . ولی دیری نگذشت که این علمدار احساس خستگی نمود . چه که ملاحظه کرد که سعی او در اخراج نفوس از این فلک محکم و متین عملی است بی ثمر و بیهوده . بتدریج پس از چند سالی برخی از این نفوس که با وجود این گمراهی و تجربه تلخ روحانی ، هنوز بارقه ایمانی در قلب خود احساس می نمودند ، بار دیگر از همان راه رفته بازگشتند و با امر الهی رو آوردند . و پس از اینکه صدق نیت آنان بشهوت رسید ، مجدداً " در زمزه یاران که با کمال

فعالیت‌های امور امریه خود را اداره و توسعه می نمودند، محشور و پذیرفته شدند. خانمی امریکائی میسز روث وایت که فی الحقیقه دچار یک سوء تفاهم عجیبی شده بود، یعنی مدعی بر جعل الواح وصایای حضرت عبدالبهاء بود، مقدار معتنا بهی از وقت و مال و همت خود را مصروف نشر و بسط عقاید خود نمود. این تهمت و ادعا نسبت باین سند گرانبها با در نظر گرفتن خط و مضمون و انشاء و مهر و تاریخ آن بحدی بدیهی البطلان بود، کسه تحریکات پر حرارت او هیچ اثر و نفوذی در جامعه بهائیان نکرد. بجز در معدودی از نفوس ساده دل در آلمان و اغلب این نفوس که علاقه و عقیده خود را نسبت باین امر مبارک از دست نداده بودند. و فقط در این موضوع دچار شبهه شده بودند. حال مراتب پیشمانی و ندامت واقعی خود را از اینک سالانی درگمراهی و در خارج جامعه بهائی زیسته و اوقات خود را به هدر داده اند، اظهار نمودند و بار دیگر در زمره یاران در آلمان وارد و از فعال ترین خدمت گزاران امر الهی در آن سامان بشمار می روند.

در ایران، آواره که در زمانی یکی از مبلغین فعال امر الهی بود، روشی اتخاذ کرد که در نظر هر صاحب بصر سلیمی بیک نوع هاری روحی تعبیر می شد. و او نه فقط به غایت شدت و بولهوسی شخص حضرت ولی امرالله را مورد حمله قرار داد، بلکه اعتراضات خود را به حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء نیز وارد آورد. اظهارات سخیفه ناهنجار او در مطبوعات سست ایران در طی سالیان متمادی منتشر می شد و به قدری مشحون به اکاذیب بینه بود که حتی اعداء هوشیار و راسخ امر الهی بطلان دعا و ایشان را تشخیص می دادند.

نتایج این اقدامات از برای او بسی مایه ناامیدی شد. زیرا نه جمعی با و گرویدند و نه توانست در امور جامعه وسیع و مخلص و ثابت قدم بهائیان در موطن حضرت بهاء الله رخنه و انشقاقی ایجاد نماید.

احمد سهراب یکی از منشیان سابق حضرت عبدالبهاء خصوصا " در اثر کمک مادی زنی که بدام مکر و حيله گرفتار گردیده، توانست افکار شیطانى خود را در اجرای مقصد خویش بکار بندد. حمله و اعتراض متمادی و شدید به نظم اداری کنونی امرالله بود که در رأس آن حضرت شوقی افندی و در ظل قیادت حضرتش محافظ روحانیه قرار داشتند که برطبق موازین صحیحه تشکیل و در سراسر عالم بهائی بانتشار امر حضرت بهاء الله مشغول و بتأسیس مؤسسات الهیه اش مألوف بودند. این فخر و مباهات را باید مخصوص او دانست که بلاشک لدودترین عدو و معارضی است که امر الهی در این بیست و پنج سال اخیر برانگیخته است. زیرا کدام جمالی است که موجد حقد و حسد نشود و کدام عفتی است که آن را تهمت و افتراء از این پس نیاید. و کدام خوبی و فضیلتی است که حس شرارت حسود را بیدار ننماید. این شخص که صرفاً " از روی فضل و احسان چون همه ما قطراتی چند از بحر رحمت الهی نصیب

گرفته بود ، می توانست در اجرای نوایای حضرت عبدالبهاء و دستورات حضرت بهاء الله با بهائیان بنحومؤثری کمک و مساعدت نماید . ولی حرص و جاه طلبی براو غلبه نمود . در این آئین نازنین ما باید تعاملات و آرزوهای شخصی خودرا منحل در نقشه کلی عمومی نمائیم . زیرا شعار ما اصل وحدت است و مانه فقط مروج شریعتی جدید هستیم که دارای تعالیم بدیع است ، بلکه بنیان جامعه ای را بر طبق اصول و اساس الهی بنیاد می کنیم که مستلزم غلبه بر اهواء نفسانیه و افناء شخصیات و امتزاج اعضاء هیئت جامعه در قالب مشترک واحدی است . احمد سهراب باین امر تسلیم ننهاد . زیرا حصول برتری و تفوق که آرزوی قلبی او بود ، در این بساط مقدور نبود . یاد پر شرارت تهمت و افترا و مدتی بر ما بوزید و هر چند بعضی از قلوب را مضطرب و دل سرد نمود ، ولی جمهور مؤمنین و مؤمنات را سائق و محرکی شدید بود که نه تنها علاقه قلبی آنان را نسبت به الواح وصایای حضرت عبدالبهاء بیافزود ، بلکه آنان را برای قیام بانجام خدمات بیشتری دلالت نمود .

ما اهل بهاء از ذکر نام این منزلزلین نه خائفیم و نه منفعل . بلکه بالعکس این نفوس بمنزله نشانه های افتخاری است که نصیب جنود الهی گشته و چون فتوحاتی است که خاطره آن در قلوب ما عزیز و گرانبها است . طوفان هائی که از آن بوجود آمد ، نه تنها ریشه ایمان ما را نسبت به امر حضرت بهاء الله راسخ تر نمود ، بلکه این نکته را به ثبوت رسانید که برای نخستین بار در تاریخ دیانتی بنوع بشر عنایت گشته که قابل انشاق بمذاهب نیست . زیرا کتاب وصایای حضرت بهاء الله و حضرت مولی الوری ، چنان قویم و متین و خالی از شائبه شک و ارتیاب است که محال است بتوان تعالیم این آئین را از مندرجات این کتاب مستطاب تفکیک نمود .

اصل وصایت که توأم با حق تبیین آیات الهی است ، همانا محوری است که اصول واحکام امرالله چون پژه های چرخ در حول آن جای دارد . هرگاه محور جداگردد ، دستگاه بالکل از کار بازمانده ، آلت معطله شود و همین است که اعدای این امر نازنین ، صد سال است نتوانسته اند اساسی در خارج امر بنهند که مقرون بدوام و سعادت باشد . چون باین دوره بیست و پنجساله اخیر نظر افکنیم ، قلب خودرا مشحون از سرور و ترضیه خاطر مشاهده نمائیم . اهل بهاء در این مدت قدم های بزرگی در طریق رشد و بلوغ برداشته اند و قایع ناچیز مؤلمه گذشته و مشاجرات شدید و تشنجات سفینه امر بدست اعداء اینک کلا از ما دور و مسافت زیادی از ما فاصله دارند . ما پرورده کتاب وصایا هستیم ما در قرب آن سدره مقدسهئی مستظلمیم که برآفاق سایه افکنده و حال ادراک می نمائیم که شجره اولین ولی امر الهی حضرت شوقی افندی تا چه حد برومند و عظیم است و تا چه اندازه

ظلش ممدود و شاخ و برگش غرق در فواکه و اشعار طلعتی که هنگامی مورد عطف و مهر واقع بود و قلوب از طراوت جوانی و عظمت ثقلی که برعهده آن حضرت قرار داشت، می گداخت. حال مطمح نظر بندگانی است که با کمال اشتیاق مترصد اجابت فرمان و قیو^ل نصائح و ارشادات صائبه حکیمانانه او هستند. در ظل هدایت ربانیش اهل بهاء با عشقی سرشار و بکمال فخر و مباهات، بخدمت قائم گشته و شاکر و سپاس گزارند که حق جل جلاله نه تنها چنین اساس اعز و ولایتی عنایت فرموده، بلکه اساس این ولایت را بطراز این ولی امر محبوب مخصص فرموده که سفینه امر را از آن همه مخاطرات نجات داده و بایستد توانا و بردبارش آنرا بفتوحاتی دلالت فرموده که بر حسب وعود حضرت بهاء الله بایستد نصیب آئین نازنینش در طی این قرن گردد. قدر و منزلت خدمات حضرت شوقی افندی ولسی امر محبوب با مر نازنین الهی هنوز مجهول است. چگونه ممکن است چنین نباشد؟ ما طوری در قرب آن قرار گرفته ایم که دور نمای این منظره جلیل کاملاً ظاهر و آشکار نیست فقط رفته رفته بر مقام و شخصیت حضرت باب و حضرت بهاء الله واقف و مطلع می شویم و تازه الیوم می توانیم اشراقات آن دو طلعت مقدس را از خلال ابرهای متراکم وقوعات کنونی مشاهده نمائیم که در نهایت عظمت و شوکت بر آفاق پرتو افکننده است کتـاب *God Passes By* بنفسه بزرگترین عاملی بود که ما را برای درک مقام و اهمیت آن دو هیكل مقدس براه انداخت. اما ما هنوز نزدیک تر از آنیم که بخواهیم آنطور که شاید مقام و منزلت اولین ولی امر را دریابیم. معذک با عطف توجه به اینکه حضرت ولی امر الله همچنانکه خود با نهایت خضوع بما تذکر داده اند، بطراز هدایت الهی مخصص و مزین می باشند، می توانیم بخدمات حضرت شان اندکی وقوف حاصل نمائیم. در وهله اول به هدایای نفیسه آن حضرت اشاره نمائیم و ترجمه کتاب های ایقان و لوح ابن ذئب و ادعیه و مناجات های مبارکه و مجموعه الواح حضرت بهاء الله و کلمات مکنونه و مطالع الانوار (تاریخ نبیل) و ذخائر بی شماری که حضرتش در آثار خود از نصوص مبارکه نقل و استشهاد فرموده اند در نظر گیریم اگر این ترجمه ها نبود، معرفت و علاقه ما نسبت به امر اقدس الهی از کجا سرچشمه می گرفت. سپس با آثار شخصی هیكل مبارک نظر افکنیم و کتاب تشکیلات بهائی و توقیعات عظیمه مبارکه راجع به نظم بدیع جهان آراء الهی و رساله دور حضرت بهاء الله و ظهور عدل الهی و قداتی یوم المیعاد و نیز به ده جلد کتاب عالم بهائی که حاصل فکر دور اندیش و مجهودات مستمره خستگی ناپذیر آن حضرت است و از همه نفیس تر کتاب *God Passes By* داستان بی نظیر و مشروح عظیمی کسه وقوعات مهم قرن اول بهائی در آن مسطور است، کلا از بی راعه مبارکش نازل گشته و این کتاب اخیر کتابی است که اهمیت سوانح قرن اول بهائی به نسبت اهمیت آن بیان شده و احدی

جز هیکل مبارکش نمی توانست این مهم را بانجام رساند. علاوه بر مراتب فوق باید نواقیع مبارکه فارسی حضرت ولی امرالله را خطاب به بهائیان ایران اضافه نمائیم. هرگاه مساعی خستگی ناپذیر و صبر جمیل حضرت ولی امرالله نبود، هرگز موفقیت های بیست و پنجساله گذشته که در این مختصر بدان اشاره گشت، حاصل نمی شد. ای مولا خون ما در عین یأس و ناامیدی مشوق و پشتیبان بود و هرگاه، نابهنگام بوقت عمل و مجاهدت طالب راحت می گشتیم، ما را بکار و امی داشت. احتیاجات را پیش بینی و ما را با نظریات و نصائح مبارکش دلالت می فرمود و در مواقع لزوم اجوبه شافیه می داد و نصوص مبارکه را در اختیار ما می گذاشت. حال امروز بخوبی تشخیص می دهیم که اگر حضرتش نمی بود، امرالله چه وضعیت اسفناکی داشت در اثر انقباض طیبهاش چه بسا اختلافات و رنجشها و دل آزردها که در هر جامعه سرچشمه اشکالات گوناگون است، مرتفع گردید توضیحات و تبیینات مبارکش چه بسا راه را هموار و قلوب را در سبیل خدمت با مرمحبوب بار دیگر نزدیک می نمود ولی مطمئنا "هیچیک از این خدمات مبارک باهل بهاء خالی از اشکال و زحمت نبود. آن مولا محبوب با قلبی عطف و حساس و روحی پر فتوح که از اشتیاق بی پایان بندگی در آستان حضرت عبدالبهاء و اجرای نوایای مبارکش طافح بود، در نهایت تدلیس و اعتساف بکمال مظلومیت مورد هجوم اعدای داخل و خارج واقع گردید. بطورکلی هر شخص سلیم و آراسته ای در ایام حیات خویش از عالم و عالمیان توقع تقدیر و تحسین ندارد ولی از دوستان نزدیک و خویشان نمی تواند انتظار نداشته باشد. ما شاید تصور می کردیم که با انقضای عصر جانبازی امواج بلا و افترا و حملات شدید فرو نشسته ولی تقدیر الهی بر امر دیگر تعلق گرفته بود. آری حضرت ولی امرالله محبوب امروز در نهان قدرت و عظمت و بصیرت و دانائی و متانت و کمال ما را در میان بازوان آهنین خویش و در صون حمایت شریعت الهی ماوی و مسکن داده ولی آثار ضرباتی که در طی این بیست و پنجسال بر هیکل الطفش وارد گشته، کاملاً نمایان است و این ضربات شدید تر از آن بود که حضرت عبدالبهاء در کتاب وصایا بآن اشاره نموده، می فرماید: "مواظبت نمائید که غبار کدر و حزنی برخاطر نورانیش ننشیند." در این مدت هیکل مبارکش متحمل مشاکل روز-افزون این مرداثم الاتساع و مورد زحمات و لطمات عدیده آن قرار داشت. آنچه در این میان این مسئولیت های عظیم مولا بی ناصرو معین اهل بهاء را تسلی می دهد همانا پیشرفت و تقدم امور امریه است. در ساحت اقدسش اخبار و بشارت خوش بمانابه نفعه حیات است و هروقت مقصودی انجام پذیرد و یا مشکلی حل شود و یا مشروع جدیدی آغاز گردد، روح مبارکش سبکبار و قلبش مشعوف و فکرش فارغ و آماده ابداع امور جدیدی می گردد. بنابراین ملاحظه می کنیم که همان قسم که ما بهائیان در سراسر عالم از طرف خداوند بصون حضرت

ولی امرالله سپرده شده ایم ، حضرتش نیز ودیعه گرانبهاشی است که خداوند متعال
بما عنایت فرموده است .

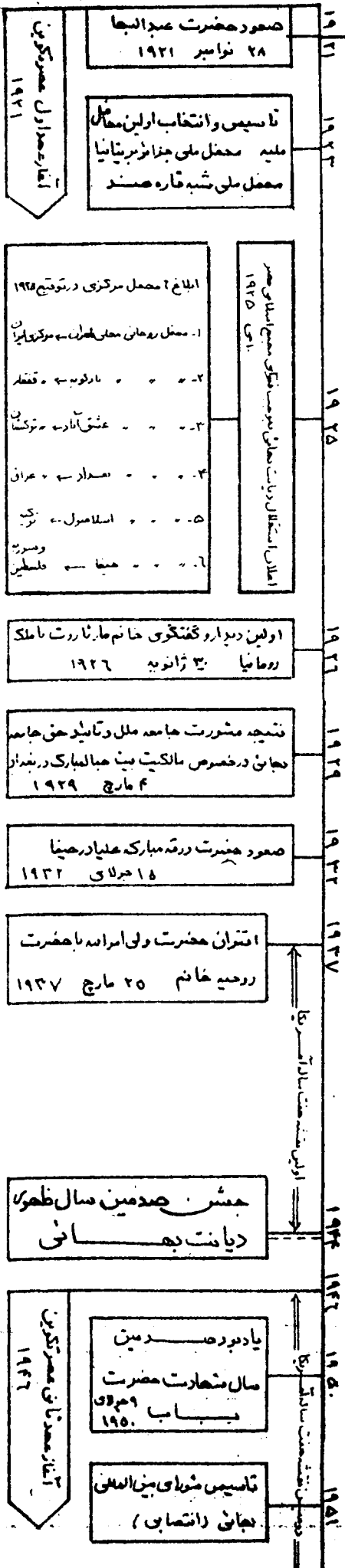
ما نبایستی این موهبت را حقیر انگاریم . بیاس مقام عظیم ولایت امر که نوع بشر
در این عصر در ظل آن مستظل است و نیز بیاس این اولین ولی امراللهی حضرت شوقی افندی
سزاوار آنکه در طی این سنین آنتی کمر همت بر بسته بر مراتب سعی و کوشش بیافزائیم
و در مدارج انتباه و هشیاری قدم فراتر نهیم . ما بایستی همواره بخاطر داشته باشیم
که کلیه قیودات و محدودیت های حقیقی منبعت از شخص ماست . هرگاه ما اهل بهاء در
حول این مرکز گردآمده به محبتش دل بندیم و در ظل رأفت گیرایش عاشق یکدیگر شویم .
مسلماً " موفقیت های ما در طی بیست و پنجسال آتی مضاغف خواهد شد .

هر حقیقت اصلی دارای معانی ووجوه مختلفه است . ممکن است هزار سال بگذرد تا قدر و
منزلت حقائق مودوعه در الواح و ما یای حضرت عبدالبهاء کما بینغی مفهوم گردد . ولی ما
نخستین حاملان این الواح مقدسه اگر بخواهیم ، می توانیم در تاریخ آثاری برجای گذاریم و
یادگار دوره ای گردیم که نصیب بیشتری در درک مفاهیم این کتاب مستطاب داشته و نوایای
بدیعه آن را برای اولین بار در اظلم سنین تاریخ بشری بر عالمیان هویدا ساخته است .

حضرت ولی امر امامه

۵۴ رنگون

۹۰ سال ولایت امیر



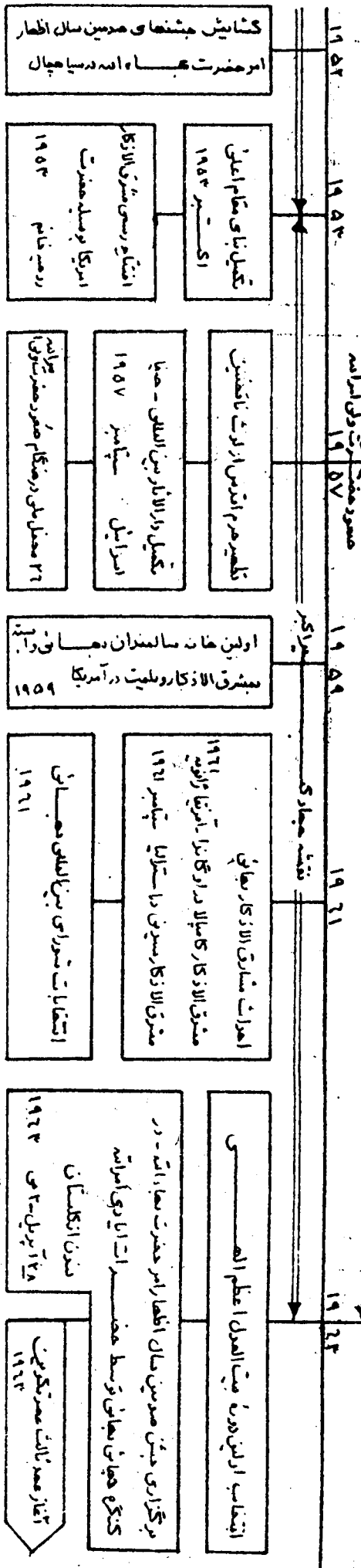
آثار فارسی: - برت ولی عزیز امر امامه
۱- شانها
۲- توتیج ۱۱ بروج ۱۹۵۵ م
۳- ۱۰۵ - ۱۹۲۸
۴- ۱۸ - ۱۹۵۱
۵- ۱۱۰ - ۱۹۵۲
۶- ۱۱۱ - ۱۹۵۴
۷- ۱۱۲ - ۱۹۵۶

ترجمه‌هایی که توسط هیکل مبارک حضرت ولی عیز امر امامه صورت گرفته است.
۱- کلمات مخونه
۲- لوح ابن ربیب
۳- کتاب مستطاب ایشان
۴- لوح طبع الفرس
۵- از صیبه رشامات
۶- منشیات آثار حضرت معادنه
۷- لوح الهای
۸- لوح فصولال
۹- اللوح و صلیا
۱۰- مطالع الاستنوار
۱۱- تالیف ولید بنی کاتب مستطاب اقدس حضرت ولی امر امامه آثار فرموده بیت العزائم تکمیل فرموده

انتخاب حضرت الیادری امر ۱۹۵۱
۱- جناب سائیز کیمول (صمد ۱۹۵۲)
۲- جناب حسین روس (تلفیص صمد) در سال ۱۹۵۰
طرح توسط جناب الیادی
۳- خانم امیلیا کالیستر (صمد ۱۹۶۲)
۴- جناب ولی اب ویتا (صمد ۱۹۵۵)
۵- جناب علی اکبر نورق
۶- جناب طراز انانه سفیری (صمد ۱۹۶۰)
۷- هیداس حالی (صمد ۱۹۶۰)
۸- خانم درت بیگر (صمد ۱۹۵۴)
۹- جناب لروی آبرائیس (صمد ۱۹۶۵)
۱۰- جناب هیزج آفرین (صمد ۱۹۵۷)
۱۱- جناب جرمان کولیس (صمد ۱۹۶۸)
۱۲- جناب یوگیتا کوری (صمد ۱۹۷۹)

حضرت ولی امرانه

۹ سال خدمت حضرت ایزدی امرانه



انتخاب حضرت ایزدی

۱۹۵۲
انتخاب حضرت ایزدی
۱۹۵۲
انتخاب حضرت ایزدی

انتخاب حضرت ایزدی

۱۹۵۷
انتخاب حضرت ایزدی
۱۹۵۷
انتخاب حضرت ایزدی

آثار انگلیسی عمده حضرت ولی عزیز امرانه

1. World order of Bahá'íllah (W.O.B.)
2. World order of Bahá'íllah
3. The Goal of new world order
4. The Golden Age of the cause of Bahá'íllah
5. America and the most Great peace
6. The Dispensation of Bahá'íllah
7. The unfolding of world civilization
8. Advent of the Divine Justice
9. Promised Day is Come
10. God passes by
11. The Baha'i Faith (1844-1944)
12. The Faith of Bahá'íllah-The world Religion (1844-1944)

انتخاب اولین دوره بیت الاموال اعظم الهی

۱۹۶۲
انتخاب اولین دوره بیت الاموال اعظم الهی
۱۹۶۲
انتخاب اولین دوره بیت الاموال اعظم الهی

اصلاحیه ارکان نظم بدیع

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۳۳	۱	۱۹۹۸	۱۹۶۸
۱۷۲	۱۹	امداد و استبداد	امداد و استمداد
۱۷۲	۱۶	مکرر و استبداد	مکرر و استمداد
۱۷۷	آخر	داریم الاتساع	دایم الاتساع
۲۳۵	۱۶	ارتفاع بیان	ارتفاع بنیان
۲۳۹	۸	یوگوجیاگری عضو سیا	یوگوجیاگری عضو سیار
۲۴۰	این سطر اضافه شود: " در سال ۱۹۵۵ سرکار خانم سیلویا آیواس نیز به عضویت شورای جهانی انتصابی توسط حضرت ولی امرالله منصوب شدند. "		
۲۴۴	۴	حتى الحصول	حتمی الحصول
۲۶۴	۱۴	عمده	اعده
۳۲۰	آخر	توضیح مسائل مهمه	توضیح مسائل مبهمه
۳۲۱	۲۰	رجال العد	رجال العدل
۳۲۳	اسامی اعضای بیت العدل اعظم باید به ترتیب الفبای لاتین مرتب گردد.		
بدین نحو: ۱ - هیوجانس ۲ - هوشمند فتح اعظم ۳ - ایما س گیبسون ۴ - دیویدها فمن			
۵ - بوراکا ولین ۶ - علی نخجوانی ۷ - دیوید روح ۸ - ایان سمیل ۹ - چارلز ولکات			
(نقل از راهنمای محافل)			
۳۳۲	۱۶ و ۱۵	اعضاء	امضاء
۳۳۲	۵	شود	می شود
۱۸۶	بنا به مفاد پیام رضوان ۱۹۸۴ معهد اعلی در خصوص ازدیاد نفوس مشاورین در دارالتبلیغ بین المللی که می فرمایند: " با ازدیاد تعداد مشاورین عضو دارالتبلیغ بین المللی به هفت نفر و مسئولیت های جدید دیگر که به عهده آنها گذارده شده، میدان خدماتشان بی اندازه توسیع یافته. "		
پیام بیت العدل اعظم خطاب به عموم اهل بهاء رضوان ۱۹۸۴			
۱۳۷	این جمله افزوده شود: "... بالطبع لازم آمد که مطابق با اتساع دایره امرالله تعداد این نفوس نفیسه نیز افزایش یابد و حال اعضای آن هیئت جلیله (مشاورین قاره ای) از ۶۳ نفر به ۷۲ نفر بالغ گردیده است. "		
پیام منیع بیت العدل اعظم خطاب به یاران مهذا مرالله در جمیع بلاد عالم رضوان ۱۹۸۶			